

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

گرامی باد هشتم مارس

دوست داشتیم همچنانکه در میان شکاری از روزنامه‌ها و رادیوهای معتبر جهان رسم بر این شده است، سردبیری و مدیریت این شماره روزنامه‌ی "کوردستان" را، به مناسبت هشتم مارس، به یک زن واگذار می‌کردیم. اما اگرچه بانگ دفاع از حقوق و آزادیهای زنان در "کوردستان" اغلب رسا و بلند بوده است، متأسفانه قلم زنان هنوز کم پیدا است. از همین روی تصمیم گرفتیم حداقل گفتمان دفاع از زنان را، در این شماره در صدر گفتارهای دیگر قرار دهیم.

به امید روزی که قلم زنان و حضور زنان در "کوردستان" از قلم مردان و حضور مردان، پررنگتر یا لااقل در حد یکدیگر باشند، به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زنان، پیشاپیش به زنان کردستان و سراسر جهان، صمیمانه تبریک می‌گوییم.

خانواده "کوردستان"

دبیرکل سازمان ملل متحد :

مسئولیت ترویج برابری جنسیتی، بر دوش همه ماست نه فقط زنان

پیام کوفی عنان

به مناسبت روز جهانی زن

فواید عملی سرمایه‌گذاری روی زنان هرچقدر هم که زیاد باشد، بازمهمترین حقیقت این است: زنان خود حق زندگی با شأن و کرامت، و آزاد از آنچه ما می‌خواهیم و فارغ از ترس، را دارا هستند. در این روز جهانی زنان، بیایید خود را دوباره موظف سازیم که این حقیقت را عملی سازیم. کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل پیامی به مناسبت روز جهانی زنان انتشار داده است که ترجمه متن آن در زیر می‌آید.

امسال، موعد بازنگری برنامه عمل در کنفرانس پکن پس از یک دهه، سال مهمی در نهضت برابری جنسیتی و بهبود وضعیت زنان است. در سال ۱۹۹۵، زنان در پکن گرد هم آمدند و به نمایندگی از طرف بشریت گام غول‌آسایی به جلو برداشتند. در نتیجه، دنیا بوضوح، و چنانچه پیش از آن هرگز سابقه نداشت، دریافت که برابری جنسیتی برای توسعه و صلح هر کشور حیاتی است. پس از ده سال، زنان نه تنها به حقوق خویش آگاه تر گشته‌اند، بلکه توان بیشتری برای استفاده از آن دارند. در طی دهه گذشته، ما شاهد پیشرفت‌های ملموس در بسیاری از عرصه‌ها بوده‌ایم. امید به زندگی و نرخ باوری بهبود یافته است. دختران بیشتری به آموزش ابتدایی مشغول هستند. زنان بیشتر از هر زمان دیگری به کسب درآمد مشغول هستند. همزمان، چالش‌های تازه‌ای پدیدار گشته‌اند. قاچاق زنان و کودکان را در نظر بگیرید، نفرت‌انگیز است اما روزبروز گسترده‌تر می‌شود. یا فزونی هدف قرار دادن زنان در مناقشه‌های مسلحانه. یا رشد وحشت‌آور بیماری ایدز در میان زنان، بویژه زنان جوان. اما هنگامی که به دهه گذشته می‌نگریم، یک نکته از هر چیز دیگری برجسته‌تر می‌نماید: ما آموخته‌ایم که چالش‌هایی که در مقابل زنان قرار دارند، مسائل بدون راه‌حل نیستند. ما آموخته‌ایم که چه اقدامی مؤثر است، و چه اقدامی بی‌تأثیر. اگر ما بر آن باشیم که میراث تاریخی‌ای را که زنان را در اکثر جوامع در محرومیت نگاه می‌دارد تغییر دهیم، باید آنچه را که آموخته‌ایم در مقیاس بزرگتر بکار بندیم. ما باید گام‌های مشخص با هدف معین در یک سری موارد برداریم. امسال فرصت گرانبهایی برای انجام این اقدامات است زیرا که رهبران جهان برای گردهمایی در سازمان ملل متحد در ماه سپتامبر آماده می‌شوند که پیشرفت‌های "بیانیه هزاره" را که در سال ۲۰۰۰ به عنوان الگویی برای بنای جهانی بهتر در قرن بیست و یکم مورد موافقت دولت‌های جهان قرار گرفت، مورد بازبینی قرار دهند. در این گردهمایی، من از جوامع بین‌المللی خواهم خواند که بیاد داشته باشند که ترویج برابری جنسیتی تنها مسئولیت زنان نیست، بلکه مسئولیت این امر به دوش همه ماست.

اکنون شصت سال از زمانی که بنیان‌گذاران سازمان ملل متحد، در اولین صفحه منشور این سازمان، حقوق برابر زن و مرد را نوشتند می‌گذرد. از آن هنگام، پژوهش‌های پشت‌پوش مؤثرتر از توانمندسازی زنان نیست. هیچ سیاست دیگری نمی‌تواند بدینگونه تولید اقتصادی را بالا ببرد، یا میزان مرگ و میر نوزادان را کاهش دهد. هیچ سیاست دیگری به این اندازه بهبود تغذیه و ترویج سلامتی، از جمله پیشگیری از بیماری ایدز، را تضمین نمی‌کند. هیچ سیاست دیگری به این اندازه در رشد فرصت‌های آموزشی برای نسل بعدی با قدرت عمل نمی‌کند. و من به جرأت می‌گویم که هیچ سیاست دیگری بدینسان در پیشگیری از مناقشات، با برقراری صلح و آشتی پس از پایان مناقشه، حائز اهمیت نیست. فواید عملی سرمایه‌گذاری روی زنان هرچقدر هم که زیاد باشد، باز مهم‌ترین حقیقت این است: زنان خود حق زندگی با شأن و کرامت، و آزاد از آنچه ما می‌خواهیم و فارغ از ترس، را دارا هستند. در این روز جهانی زنان، بیایید خود را دوباره موظف سازیم که این حقیقت را عملی سازیم.



صحنه‌ای از اعتراضات سال گذشته زنان ایران علیه نابرابری جنسی، جلوی دانشگاه تهران

آرزو می‌کنیم ۸ مارس، نزد مردان و همه نهادها و بنیادهای اجتماعی که مردها نقش اساسی در رهبری و اداره آنها را برعهده دارند، دارای یک پیام یا ویژگی دیگری نیز باشد. آرزو مندیم ۸ مارس نزد همه مردانی که ادعای دمکرات و مدرن بودن دارند، نزد همه احزاب و سازمانهایی که برای آزادی و دمکراسی در تلاش بوده و علیه انواع ستم و استثمار مبارزه می‌کنند، تبدیل به روز بازنگری در رفتار و مواضع و انتقاد از خویش گردد. بیاییم نوع نگرش و رفتارمان در قبال زنان را مورد بازنگری قرار دهیم و با انگشت گذاشتن بر ضعفها و کاستی‌هایمان در زمینه مهیا ساختن زمینه‌های مساعد برای جلب این قشر و کم کاری در برداشتن موانع رشد و پیشرفت آنان از خود انتقاد نموده و خود را متعهد به حل مشکلات و رفع کمبودهای آنان سازیم.

گزیده‌ی گفتاری در همین شماره

آزادی در خاورمیانه

به آزادی در ایران بستگی دارد

در جهان است و سعی دارد در دیگر نقاط جهان تشویش ایجاد کند. ایران جهان را با مسأله‌ی هسته‌ای‌اش به چالش کشیده و اسرائیل، متحد ما را برسمیت نمی‌شناسد. انزوای بین‌المللی آن کشور بیشتر شده است. ۲۷ کشور جهان برعلیه پرونده‌ی هسته‌ای ایران رأی داده‌اند و تنها کشورهای حامی ایران، سوریه، کوبا و ونزوئلا هستند. بوش گفت: پیام این است: به کشوری که رژیم آن شفافیت ندارد اجازه نمی‌دهیم سلاح هسته‌ای در اختیار داشته باشد.

رئیس‌جمهور آمریکا گفت: دولت ۷۵ میلیون دلار بودجه برای فعالیت‌های پیشبرد دمکراسی در ایران از کنگره درخواست کرده است. بوش گفت: تغییرات دمکراتیک در ایران ایجاد خواهد شد. آزادی در خاورمیانه به آزادی در ایران بستگی دارد. به ایران آزاد و دمکراتیک.

بازهم توطئه چینی سایت "بازتاب"

به منظور ایجاد تشنج میان احزاب و سازمانهای سیاسی کردستان

این خبر "بازتاب" نیز، همانند بیشتر اخبار و گزارشهای این "سایت" در رابطه با رویدادهای کردستان، دور از واقعیت است. تلاشی است در جهت جو بی‌اعتمادی و تشنج در میان اعضا و هواداران احزاب و سازمانهای سیاسی کردستان که با توجه به آشکار شدن ماهیت و مقاصد گردانندگان این سایت و برملاگشتن بی‌پایگی اخبار و گزارشهای آن، با ناکامی روبرو خواهد گشت.

دستگیری ۱۲ تن از نیروهای شاخه ایرانی "پ.ک.ک" شد. طبق خبر "بازتاب" این افراد در روزهای اخیر، در شهرک "کانی دینار" واقع در حومه شهر "مریوان" دستگیر شده‌اند. در ادامه خبر سایت "بازتاب" آمده است: شاخه ایرانی "پ.ک.ک" با انتشار اطلاعیه‌ای، حزب دمکرات و کومه را متهم به همکاری با مأموران امنیتی ایران در دستگیری این افراد و آنان را به انتقام‌گیری تهدید کرده است.



به گزارش رادیو صدای آمریکا، جرج بوش، رئیس‌جمهوری آمریکا، روز جمعه در سخنانی در جمع سربازان بازنشسته آن کشور در واشنگتن گفت: ما همچنان در حالت جنگ به سر می‌بریم. بوش افزود: بدنبال حملات ۱۱ سپتامبر به آمریکا، تکلیف قائل نشدن میان تروریستها و کشورهای حامی تروریسم بخشی از استراتژی جدید ماست. این کشورها دشمنان آمریکا هستند. بوش گفت: هیچکس نمی‌تواند بگوید ما در عراق افغانستان به پیشرفت‌های عظیمی دست نیافته‌ایم. امنیت ما به پیشبرد دمکراسی و آزادی در جهان بستگی دارد. هدف ما پایان دادن به استبداد در جهان است و منافع ملی ما به این بستگی دارد.

دفتر سیاسی

حزب دمکرات کردستان ایران:

رژیم مشغول توطئه

چینی برای برهم زدن

روابط کردها و آذریهای

شهر ماکو است

در پی تظاهرات روز بیست و هفتم بهمن ما مردم شهر ماکو که به شدت از سوی نیروهای جمهوری اسلامی سرکوب گردید و به کشته شدن ۱۰ تن از تظاهرکنندگان و زخمی شدن دهها تن دیگر منجر گردید، گردانندگان نهادهای امنیتی و نظامی رژیم در این شهر جهت چیدن توطئه‌ای جدید دست به کار شدند. دستگاه‌های اطلاعاتی و سرکوبگر رژیم در این شهر، بلافاصله اقدام به عملی ساختن توطئه به آتش کشیدن مغازه‌ها و بازار شهر از طرف افراد ناآگاه و غیر مستول کردند. سپس همین نهادها کوشیدند مسئولیت این کار نامشروع را به گردن تظاهرکنندگان ببندازند و در نتیجه آذریهای این شهر را علیه برادران کرد خود تحریک کنند و موجب ایجاد تفرقه و آشوب در بین آنها گردند. دفتر سیاسی حزب دمکرات طی یک اطلاعیه که در صفحه ۲ همین شماره "کوردستان" منتشر شده است، پرده از توطئه جدید رژیم در این راستا، برداشته است.

جزئیات حمله ایران به

پایگاههای حزب در کویسنجق

در گفتگو با آقای حسن شرفی،

معاون دبیرکل حزب

اخبار کردستان

کرد و انتفاضه‌ی مردمی،

دیروز سنجاق امروز ماکو

در مصاحبه با

آقای رامبد لطفپوری

دکتر رؤیا طلوعی:

من به همراه تمامی

پیشمرگان و مبارزان میهن

سرفرازم به کشور

بازخواهم گشت

مقطع نوینی از مبارزه

حق طلبانه‌ی ملت کرد

روز خوشبینی نسبت

به آینده

پرونده اتمی ایران و

منافع روسیه و چین

اطلاعیه

جنایات جمهوری اسلامی در ماکو و حومه را محکوم می‌کنیم

هم میهنان گرامی
مردم آزادپناه کردستان

روز ۲۳ بهمن، طی اطلاعیه‌ای عمومی با اشاره به اظهارات یک مسئول امنیتی رژیم در سایت "بازتاب"، هم میهنان و مردم کردستان را از توطئه جدید رژیم علیه آزادخواهان ایرانی و مردم حق‌طلب کرد و دیگر ملیت‌های ایران مطلع کردیم. متأسفانه همچنانکه مشاهده می‌شود این پیش‌بینی خیلی زود به حقیقت پیوست و موجی دیگر از کشتار و سرکوب مردم آزادپناه و فرزندان ملت کرد آغاز گشت. در همین رابطه، ساعت ۱۰/۳۰ بامداد روز پنج‌شنبه، ۲۷ بهمن ۱۳۸۴ شمسی، مردم ماکو که بمنظور اعتراض به ظلم و ستم و بی‌عدالتی‌های رژیم در حق فرزندان ملت کرد به خیابان آمده بودند، یک حرکت اعتراضی آرام و گسترده را به راه انداختند و با دادن شعارهای ملی و علیه رژیم، انزجار و نفرت خود را از سیاست‌های کردستیزانه نظام جمهوری اسلامی ابراز داشتند. اما این اعتراضات از سوی نیروهای رژیم شدیداً مورد هجوم واقع گردیده و سرکوب گشت.

متأسفانه در نتیجه تیراندازی نیروهای رژیم، ۱۰ تن از معترضین شهید و ۲۵ تن دیگر به شدت مجروح گشته و صدها تن دیگر نیز دستگیر و بازداشت شدند. همچنین روز یکشنبه، ۳۰ بهمن، مردم سایر مناطق ماکو، شوط، پل دشت هم در اعتراض به رفتار وحشیانه رژیم و بمطور حمایت از مردم شهرستان ماکو اقدام به حرکات اعتراضی نمودند که آن هم مورد هجوم نیروهای رژیم و آماج تیراندازی مزدورانش واقع شد و مجروح شدن ۶ تن دیگر را در پی داشت که در میان آنان زنی ۲۵ ساله و کودکی ۷ ساله مشاهده می‌شود.

در ارتباط با این رویداد، حزب دمکرات کردستان ایران ضمن محکوم کردن این رفتار وحشیانه رژیم علیه ملت کرد در ماکو، به خانواده شهیدان و مردم ماکو تسلیت می‌گوید و بیهودی هر چه سریعتر مجروحین را آرزو می‌نماید و در عین حال از جوامع و انجمنهای بشردوست و مدافعین حقوق بشر می‌خواهد برای آزادی بازداشت‌شدگان اقدام نموده و این جنایت رژیم را افشا سازند.

حزب دمکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی
۱۳۸۴/۱۲/۱

مردم ماکو و حومه باید در برابر توطئه‌های رژیم با هشیاری و احساس مسئولیت کامل برخورد نمایند

اطلاعیه‌ی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

اطلاعاتی و سرکوبگر رژیم را خنثی کنند، بلکه دست در دست هم‌دیگر و با حفظ حرمت و کرامت و دوستی فرزندان در ملت کرد و آذری در آن منطقه، رژیم و نهادهای توطئه‌گرش را مایوس و سرفراکنده نمایند. همچنین ثابت کنند که اتحاد و همبستگی مبارزاتی دو ملت کرد و آذری نیرومندتر از آن است که رژیم ناقض حقوق و آزادی‌های آنان و سایر ملل تحت ستم ایران بتواند در آن شکاف ایجاد نماید.

با امید به هشیاری و احساس مسئولیت همگانی

حزب دمکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی

۱۳۸۴/۱۲/۲ شمسی

(۲۰۰۶/۲/۲۱ میلادی)

هم اکنون نهادهای سرکوبگر و توطئه‌گر رژیم در ماکو در تلاش‌اند تا تظاهرکنندگان را مسئول این گونه اعمال ناروا معرفی کنند و از این طریق احساسات شهروندان آذری را که از گذشته‌های دور با برادران کردشان به گونه‌ای مسالمت‌آمیز و برادرانه زندگی می‌کنند، جریحه‌دار نموده و آنها را تحریک نمایند و از این راه با تفرقه‌افکنی و ایجاد آشوب به اهداف خود دست یابند.

در این ارتباط، کلیه‌ی اهالی محترم ماکو و اطراف، اعم از کرد و آذری را هشدار نموده و آنان را از این توطئه شوم رژیم آگاه می‌سازیم و انتظار داریم که در دام رژیم نیفتند. لازم است با هشیاری و احساس مسئولیت کامل برخورد نمایند و از این طریق نه تنها توطئه‌ی نهادهای

هم میهنان گرامی!
مردم مبارز کردستان!
اهالی محترم ماکو و حومه!

در جریان تظاهرات مردم ماکو و مناطق اطراف آن، طی روزهای ۲۷ تا ۳۰ بهمن، که متأسفانه با یورش نیروهای رژیم، ۱۰ کشته، ۲۵ زخمی و دستگیری و بازداشت صدها تن دیگر را بدنبال داشت، نهادهای اطلاعاتی و نظامی رژیم، اقدام به طرح‌ریزی توطئه‌ی غارت و آتش‌زدن مغازه‌های مردم و بازار شهر نمودند و این توطئه را از طریق تعدادی افراد ناآگاه و نامسئول به انجام رسانیدند. همین توطئه را در تظاهرات‌های تابستان گذشته، با آتش زدن حسینی‌ی سفز و پاساژ حمید در سنجج اجرا نمودند.

جزئیات حمله‌ی ایران به پایگاه‌های حزب در کویسنجق

در گفتگو با

آقای حسن شرفی، معاون دبیرکل حزب

مهدی مهرپرور

بخش دوم و پایانی



جانشین دبیرکل حزب، آقای حسن شرفی

اینکه مبارزه مسلحانه فعلاً متوقف شده بدین معنا نیست که حزب دمکرات این شیوه از مبارزه را بکلی کنار گذاشته است. در موقع یا مواقعی ویژه شیوه‌ای از شیوه‌های مبارزه امکان بیشتری برای پراکنش کردن می‌یابد و شیوه‌ای از شیوه‌ها از مجال و امکان کمتری برخوردار خواهد بود

زیرا پس از همین عملیات بود (عملیاتی که آنها بقول خودشان مدعی اخذ تعهد مبنی بر متوقف کردن و کنار گذاشتن مبارزه مسلحانه از سوی حزب هستند، همین ادعاهای پوچ و بی اساس) همان وقت پس از آن جمله نیز پیشمرگهای ما در داخل کشور در حال عملیات بودند. یعنی بسیاری از عملیات نظامی‌ای که پیشمرگها در مناطق مختلف انجام داده‌اند مربوط به چند ماه پس از حمله مذکور جمهوری اسلامی می‌باشد. در نتیجه چنانچه چنین چیزی در میان بود اصولاً پیشمرگهای حزب هیچ گونه حرکت نظامی‌ای پس از آن انجام نمی‌دادند.

در حالیکه عملاً مشاهده نمودیم. اما اینکه مبارزه مسلحانه فعلاً متوقف شده بدین معنا نیست که حزب دمکرات این شیوه از مبارزه را بکلی کنار گذاشته است. در موقع یا مواقعی ویژه شیوه‌ای از شیوه‌های مبارزه امکان بیشتری برای پراکنش کردن می‌یابد و شیوه‌ای از شیوه‌ها از مجال و امکان کمتری برخوردار خواهد بود. با توجه به اینکه هم اکنون تجربه‌ای در کرستان عراق در حال اجرا و شکل‌گیری است و ملت کرد در این بخش دارد به برخی یا بخشی از حقوق و آزادی‌هایش می‌رسد، بنابراین تاحدی از حزب دمکرات و دیگر نیروهای کردستان ایران انتظار و توقع دارند به حرکتی دست نزنند که موجبات تنش در روابط بین آنان و همسایگان‌شان بویژه جمهوری اسلامی را فراهم آوردند. بگذار این نکته را به بیانات خود بیفزایم، چه در صورتی که

اسلامی بود بر فراز ساختمانی واقع در جنوب تهران سقوط کرد و سرنشینان آن طعمه مرگ شدند. اکنون این مسئله برای آنان مسئله‌ایست که آیا این سقوطها ناشی از فقدان وسایل یدکی و فرسودگی هواپیماهاست یا اینکه عواملی درونی در پی بوجود آوردن چنین مشکلاتی هستند؟ آنان جهت سرپوش گذاشتن یا کمرنگ نمودن این شایعات، به مدح و ثنای چنین کسانی "کاشمی" می‌پردازند که در چنین حوادثی در گذشته‌اند بطور کلی می‌خواهند بر چنین وقایع و حوادثی که برای هواپیماهایشان پیش می‌آید سرپوش بگذارند. از طرفی دیگر جمهوری اسلامی به شیوه‌ای کاملاً اغراق آمیز به مدح افرادی می‌پردازد که از دست رفته‌اند. حال چنانچه احمد کاشمی فرماندهی این عملیات را برعهده داشته است بدیهی است که در غرب کشور و در جنگ علیه جنبش کرد و مردم کردستان ایران نیز مشارکت داشته این امر مایه افتخار آنان است که در قتل عام کردها و سرکوب ملت کرد شرکت نموده‌اند و با توجه به اینکه احمد کاشمی در سرکوب ملت کرد دست داشته و در این عملیات نیز حتی در خارج از ایران و کردستان ایران هم در عملیات علیه حزب دمکرات شرکت نموده است، همه و همه از نظر جمهوری اسلامی بعنوان کارنامه‌ای خظیر و خدماتی ارزنده قلمداد می‌شود که نامبرده انجام داده است و این مسائل را بعد از ۹ سال و قریب به ۱۰ سال مطرح می‌نمایند.

س: کاک حسن همچنانکه قبل اشاره فرمودید رژیم ادعا می‌کند پس از این هجوم حزب دمکرات کردستان ایران مبارزه مسلحانه را کنار گذاشته است، اصولاً علت کمرنگ شدن مبارزه مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران در داخل کشور چیست؟

ج: می‌خواستم این نکته را به عرض برسانم که کمرنگ شدن یا نشدن عملیات نظامی پیشمرگهای حزب دمکرات و نیروهای کردستانی "هرگز با آن یورش نظامی که جمهوری اسلامی پس از پیشروی در عمق ۱۶۰ کیلومتری خاک کردستان عراق بر قرارگاههای حزب دمکرات کرد هیچ گونه ارتباطی، ندارد.

چنان روابط مستحکمی شده‌اند که از حزب دمکرات بخواهند وضعیت آنان را مد نظر داشته باشد و حزب دمکرات نیز کاملاً موقعیت آنان را مراعات نموده است. این حقیقت از زبان یکی از مسئولین عالی‌رتبه‌ی نیروهای سیاسی کردستان عراق پاسخی بود به ادعای مذکور جمهوری اسلامی.

س کاک حسن حال پس از گذشت ۹ سال بر این حوادث علت مطرح شدن و انتشار این مسئله آنهم بعداز مرگ احمد کاشمی چیست؟

ج: اساساً سیاست جمهوری اسلامی بویژه سیاست تبلیغاتیست چنین است که معمولاً دست به انتشار چیزهایی می‌زنند که صحت و سقم آن از نظر رژیم مهم نیست بلکه آنچه حائز اهمیت است مسئله‌ایست که در آن لحظه در مورد آن حرف می‌زنند. هدف آنان سرپوش گذاشتن بر مشکلات درونی حاکمیت، در راجع به هواپیماهایی که سقوط می‌کردند. همچنانکه همه مستحضرند پیشتر نیز به فاصله ۲۰ روز یک هواپیمایی دیگر که حامل تعدادی از فرماندهان نظامی و خبرنگاران رادیویی و تلویزیونی جمهوری

است. بین رفقای ما و این نیرو که حالا معلوم شده به فرماندهی کاشمی بوده است، هیچگونه ارتباط و تماس، نه حضوری و نه تلفنی و نه مکاتبه‌ای صورت نگرفته است و اینکه حزب دمکرات شیوه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه را به کنار گذاشته، هیچگاه مصداق این شیوه‌های مبارزه را برای رسیدن به برنامه‌ها و اهداف خود را کنار گذاشته باشد، حالا اگر این نوع مبارزه تا حدودی رنگ باخته یا کمرنگتر جلوه می‌نماید، بیشتر برای رعایت وضع و تثبیت تجربه‌ای است که در کردستان عراق با آن روبرو هستیم. به یاد دارم جای دیگر نیز یکی از فرماندهان سپاه پاسداران صحبت از امنیت نوار مرزی و مناطق غربی کرده بود که از سوی برادران کرد عراقی به آنان پاسخ داده شد که منشأ فقدان مبارزه مسلحانه در مناطق مذکور نه تنها اقتدار جمهوری اسلامی و تمهیدات آن جهت پیشگیری از چنین حرکت‌هایی در این مناطق از سوی رژیم نیست بلکه این کردهای عراقی هستند که بعلت روابط دوستانه با حزب دمکرات قادر به ایجاد

س: آقای شرفی در بخش دیگری از آن مقاله در سایت بازتاب آمده‌است که احمد کاشمی توافقنامه‌ی سیاسی - نظامی با رهبران کرد اردوگاه کویسنجق امضا کرده خود را بر زمین گذاشته، عملیات نظامی خود را پایان بخشیده و تنها به فعالیت سیاسی می‌پردازند. در مقابل نیز ایران از اقدام نظامی علیه آنان اجتناب می‌ورزد. شما در این خصوص چه توضیحی دارید؟

ج: قویاً این موضوع را تکذیب می‌کنم و هیچگونه روابطی بین ما و این نیرو و فرماندهی آن که برای سرکوب و از پای‌آوردن ما آمده بود وجود نداشت. قبل از استقرار ما در موقعیت کنونی، ما در مناطق دیگری نیز همچون "قندیل" و نقاط مرزی ایران و عراق، در "که‌ورده‌ئ" همواره مبارزان و خیمه‌باران هوایی و توپخانه‌ای آنها بر سر مواضع و قرارگاههای ما وجود داشته است و هیچگاه کنار گذاشتن و تغییر یکی از شیوه‌های مقابله و جایگزینی شیوه‌ی دیگر مقابله با ما هدف آنان نبوده است. بلکه ضربه‌زدن به حزب دمکرات و تضعیف آن همیشه هدف پابست رژیم بوده

حزب دمکرات مراعات موقعیت کردهای عراق را کرده باشد چه در صورتی که آنان انتظار برحقی را از حزب دمکرات و دیگر نیروهای کردستان ایران داشته باشند که موقعیت و اوضاع کردهای عراق را رعایت کنند که البته کرده‌اند، بایستی بدین امر نیز توجه داشته باشیم که جمهوری اسلامی ایران از دخالت در امور داخلی عراق بویژه کردستان حذر نمی‌کند و دست بر نمی‌دارد.

آنچه در مناطق جنوب و مرکزی عراق روی می‌دهد مطمئناً بخش اساسی آن به دخالت‌های جمهوری اسلامی مربوط می‌شود. با این حال این امر (متوقف کردن مبارزه مسلحانه)؟ به خود کردهای ایران مربوط است و ما همیشه گفته‌ایم به حزب دمکرات مربوط است که بیشتر از همه ما اذعان نداشته‌ایم که بخاطر منافع ملت کرد بویژه کردهای کردستان عراق و موفق شدن تجربیات و آزمونهای آنان از خود و برخی مصالح و منافع کوتاه مدت حزب دمکرات نیز مایه گذاشته‌ایم. این اوضاع قابل تغییرند و شیوه مبارزه از سوی پیشمرگهای حزب دمکرات طبق اوضاع متغییر، متحول می‌شوند و تغییر می‌یابند. همچنانکه قبلاً نیز اشاره کردم در هر موقع و مقطعی شیوه‌ای از شیوه‌های مبارزه مجال بیشتری جهت پراکنش کردن خواهد یافت و در موقعیتی دیگر شیوه‌هایی دیگر مبارزه از امکان بیشتری برخوردار خواهند بود، و شاید شیوه‌ای از مبارزه نسبت به دیگر شیوه‌ها کمرنگ تر شود.

در چند سال اخیر که جمهوری اسلامی بر سر قدرت بوده و ما برای سرنگونی آن مبارزه کرده‌ام در مقاطع مختلف شیوه‌های گوناگون مبارزه را در پیش گرفته‌ایم و شاید در هر یک از این مقاطع یکی از شیوه‌های مبارزه از مجال و فرصت بیشتری برخوردار بوده باشد.

– جناب آقای حسن شرفی با تشکر از اینکه دعوت ما را جهت شرکت در این مصاحبه قبول فرمودید.

– ما هم از شما تشکر می‌کنیم و موفقیت شما را آرزو می‌کنیم. امیدواریم نسبت به این وقایع و قضایا همچنان حساس و دقیق بوده و بمنظور تبیین این مسایل با افراد آگاه به مسایل مربوط بیشتر در ارتباط باشید تا مردم کردستان فریب ادعاهای راهی و گمراه کننده رژیم و تبلیغات مسموم و فریبنده آنان را نخورند تبلیغاتی که در طول ۲۷-۲۶ سال گذشته همواره علیه جنبش کرد و حزب دمکرات کردستان ایران به راه انداخته‌اند.

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران

اخبار کردستان

وی ضمن محکومکردن جنایات رژیم، از همشهریان کرد و آذری خود خواسته است که با هشیاری و احساس مسئولیت با ترندهای رژیم برخورد کنند.

در ادامه‌ی تظاهرات مذکور، مردم پلدشت نیز روز ۳۰ بهمن ماه به منظور پشتیبانی از تظاهرات مردم شهر ماکو به خیابانها ریخته و به سردادن شعار علیه رژیم پرداختند که در نتیجه‌ی درگیری میان آنها و نیروهای رژیم ۶تن از تظاهرکنندگان مجروح شدند، ولی هیچ کدام از خشونتها و بد رفتاری‌های شدید رژیم موثر واقع نشده و از این روی شهر ماکو بار دیگر به خیابانها آمده و ضمن سردادن شعار علیه رژیم خواستار آزادی بازداشت شده‌گان گردیدند. ولی نیروهای سرکوبگر رژیم در عوض پاسخگویی، هلی‌کوپترهای خود را به منظور ایجاد رعب و وحشت بر فراز شهر به پرواز درآورده و اقدام به دستگیری ۶ تن دیگر از تظاهرکنندگان نمود و در اثنای همین درگیریها چند تن با مشخصات حمید قندکانلو، میرزا جیکانلو، عبدالله نصرت پور و محمد فرزند

کرمانشاه

مخالفت مردم با غنی‌سازی اورانیوم

رژیم با هدف نشان دادن حمایت مردم از سیاست غنی‌سازی اورانیوم، قرار بود روز سه‌شنبه، دوم اسفند، راهپیمایی بزرگی را در شهر کرمانشاه سازمان‌دهی کند، اما این مراسم به سبب عدم شرکت مردم، برگزار نشد.

شایان ذکراست که، رژیم بدنبال شکست تلاش های دیپلوماتیک خود در عرصه‌ی بین‌المللی، هم اکنون قصد دارد، تا پروژه‌ی غنی‌سازی اورانیوم را به یک مسئله ملی تبدیل نماید. در همین راستا رژیم می‌خواهد با کشاندن مردم به خیابانها حمایت آنان را از سیاست های اتمی خود به جهانیان نشان دهد. اما موضع مسئولانه‌ی مردم کرمانشاه بار دیگر نشان داد که مردم ایران نگران دستیابی رژیم کنونی ایران به فناوری هسته‌ای هستند.

سنندج

طی یک حمله‌ی تروریستی یک عضو فعال حزب شهید و پدرش زخمی شد

جمعه ۱۲ اسفند، پیمان الله‌مرادی، عضو فعال و مبارز حزب دمکرات کردستان ایران (عضو مخفی) همراه با پدرش هنگام بازگشت از روستای "ناساولا" مورد حمله‌ی تروریستی دو تن از مزدوران رژیم به نامهای شاهو و آرش ارشدی قرار می‌گیرند، که متأسفانه در این رویداد، آقای پیمان الله‌مرادی شهید و پدرش به شدت زخمی می‌شود.

شهید پیمان به دلیل فعالیت خستگی ناپذیر و محبوبیتش میان مردم، قبلاً از سوی اداره‌ی اطلاعات رژیم شناسایی شده و چند دفعه وی را تهدید به مرگ کرده بودند.

بدین مناسبت، شهادت وی را به خانواده، بستگان و مردم سنندج تسلیت گفته و در همین حال آرزوی شفای عاجل برای حسین الله‌مرادی، پدر گرامی شهید پیمان را داریم.

ارومیه

امضای قرارداد امنیتی میان مسئولان نظامی ایران و ترکیه

با هدف گسترش همکاری های امنیتی و در واقع برای کنترل بیش از پیش حرکات اعتراضی مردم منطقه، روز گذشته، سوم اسفند، در ارومیه، یک قرارداد امنیتی بین سردار کرمی مسئول نیروهای انتظامی رژیم در استان آذربایجان غربی و "آق دال" فرماندهی سپاه ترکیه در استان یوکسک آباد امضا شد.

همچنین در این نشست، با هدف گسترش بیشتر همکاری‌ها و ارانه‌ی یک طرح مشترک بهتر، آقای "آق دال" از سردار کرمی دعوت نمود که بهار سال آینده به استان یوکسک سفر نماید.

دیواندره - سنندج <p>سقوط یک تانکر حامل مواد شیمیایی در سد قشلاق</p> <p>یک تانکر حامل مواد شیمیایی، روز شنبه‌ی گذشته، برابر با ۲۹ بهمن ۱۳۸۴، در مسیر جاده‌ی دیواندره - سنندج، به داخل سد قشلاق سقوط کرد.</p> <p>براساس گزارشهای رسیده، محل سقوط این تانکر درست همان نقطه‌ای است که سه سال گذشته تانکر مشابه دیگری به داخل سد قشلاق سقوط کرد. این خود سبب تقویت این احتمال می‌شود که این گونه حوادث، تعدمی و با اهداف ضدانسانی صورت می‌گیرند. شایان ذکراست که، بخش عمده‌ای از آب آشامیدنی شهر سنندج از محل سد قشلاق تأمین می‌شود.</p>	بانه <p>مردم مانع دستگیری‌های خودسرانه‌ی جوانان از سوی نیروهای رژیم می‌شوند</p> <p>مردم آزادبخواه بانه، صبح روز سه‌شنبه، نهم اسفند، در پاساژ "خدر"، در درگیری با نیروهای رژیم ، مانع از دستگیری خودسرانه‌ی یک جوان دستفروش از سوی آنان می‌شوند. همچنین ساعت ۵/۳۰ عصر همان روز، نیروی انتظامی به منظور دستگیری چند تن دیگر وارد پاساژ "خدر" می‌شوند که، منجر به زد و خورد یک ساعته‌ای میان آنان و مردم می‌شود. در این زد و خورد مردم با سردادن شعارهایی علیه رژیم، آنان را ناچار به ترک محل کردند.</p>
---	---

در پایان باید گفت هدف رژیم از این ترندها تنها ایجاد تفرقه و دشمن میان ملیت‌های ایران به منظور تداوم عمر ننگین حکومت خویش می‌باشد ولی کردها و آذری‌ها که همسایه‌ی دیرین همدیگر بوده و همیشه با صلح و صفا و همزیستی در کنار یکدیگر زیسته‌اند، اجازه نخواهند داد که رژیم این اتحاد و همبستگی آنها را مخدوش نماید.

پشتیبانی از تظاهرات

مردم شهر ماکو

به دنبال تظاهرات آزادبخواهانه‌ی مردم شهر ماکو به منظور اعتراض به سرکوب و رفتارهای ضدانسانی رژیم در قبال شهروندان کرد، مردم سایر شهرها و بخشهای کردستان اقدام به محکومیت رژیم در این خصوص کردند.

اهالی روستای "ههفتاوان" از توابع

سلماس، مردم شهر سقز، پولادشت و

حدود ۴۰۰ تن از دانشجویان کرد تهران

با تجمع و سردادن سرود "ای رقیب" به

محکومین این جنایات رژیم پرداخته‌اند.

مریوان

برائر گازگرفتگی سه عضو

یک خانواده جان خود را

از دست دادند

شب سی‌ام بهمن، در محله‌ی فرمانداری مریوان، سه عضو خانواده‌ای به نام ابراهیم همراه با همسر و کودک خردسالشان، برائر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند.
همچنین خواهر زن ابراهیم نیز هم‌اکنون در بیمارستان بستری است.

فعالیت تبلیغاتی

اعضا و دوستان حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت راه‌اندازی کانال ماهواره‌ای تلویزیون "Tishk" دست به فعالیت‌های تبلیغاتی گسترده در سطح کردستان نموده‌اند.
اعضا و دوستان حزب دمکرات در شهرهای نرده، کامیاران، تهران و بوکان نیز با انتشار فرکانس این کانال و تراکت تبلیغاتی حزب گوشه‌هایی از فعالیت خود را به نمایش گذاشته‌اند.
برای اطلاع بیشتر به سایت"Kuraistan media"مراجعه نمایید.

درگذشت پدر دو شهید سرفراز حزب



شامگاه ۱۳۸۴/۱۲/۹،

کاک مصطفی رستمی، پدر دو شهید زنده‌یاد حزب دمکرات کردستان دمکرات ایران، شهید طه رستمی (در سال ۱۳۶۲ شمسی در روستای هنجیران مریوان به شهادت رسید) و شهید شمس‌الدین رستمی (در سال ۱۳۸۲ شمسی در روستای "میتراو" از توابع سنندج به شهادت رسید) در روستای هویسه‌ی منطقه‌ی ژاوه‌رود

مریوان، بعلت بیماری درگذشت.

کاک مصطفی علاوه بر جان باخت این دو فرزندش در راه احقاق حقوق روای ملت کرد و تربیت نمودن فرزند دیگری به نام کامران رستمی جهت مبارزه علیه رژیم در صوف مبارزان حزب دمکرات کردستان ایران، خود نیز از جملهی دلسوزترین اعضای حزب بود که در راه پیشبرد سیاستهای حزب و اهداف ملت کرد، مدام با ظلم و اختناق رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی مواجه بود و در عین حال نیز رژیم علاوه بر چندین بار بازداشت و شکنجه و آزار فراوان وی، هیچگاه نتوانست روحیه و حس ملی و آزادبخواهی‌اش را خدشه‌دار نماید.

خانه‌ی کاک مصطفی بهنگام بازگشت و وجود نیروهای پیشمرگ در منطقه، مدام محل و مأوای آنها بود.

بدین مناسبت به همراه مرکز یک کردستان و کلیه‌ی اعضاء و هواداران حزب، مراتب همدردی و تسلیت خود را به خانواده و بستگان کاک مصطفی و کلیه‌ی اهالی روستای هویه و منطقه‌ی ژاوه‌رود ابراز میداریم.

روحش شاد و راه رسیدن به اهدافش پر رهرو باد

مهاباد

فرماندار مهاباد روز سه‌شنبه، ۱۳۸۴/۱۲/۲، ظاهراً برای بررسی مشکلات جوانان اقدام به برگزاری جلسه‌ای با حضور معرف صمدی، فرماندار مهاباد، سرهنگ حسین عبدی، فرمانده نیروی انتظامی مهاباد و شماری از اعضای انجمن های ادبی، اصناف، مسئولین دانشگاه‌ها و روحانیون نمود. این جلسه بیشتر به بحث اعتراض مردم مهاباد، که رژیم آن را "آشوب" می‌خواند، اختصاص داشت.

در جریان این جلسه، شماری از شرکت کنندگان ضمن تأکید بر حق مسلم جوانان در برگزاری مراسم جشن و مناسبت‌های ملی مانند "چهارشنبه سوری"، "نوروز" و … اشاره به نبود هرگونه شادی، تفریح و سرگرمی برای جوانان و روند تسریع روز افزون گسترش پدیده‌های بیکاری، فقر، اعتیاد و … کردند و رژیم را مسئول کلیه‌ی مشکلات اجتماعی قلمداد نمودند.

مسئولان رژیم که از هم اکنون از بیم اینکه مراسم ملی "چهارشنبه سوری" و "نوروز" به میدان مبارزه جوانان با رژیم تبدیل شود، تذکر دادند که مردم باید با آنان همکاری کرده و از ایجاد بروز هرگونه اعتراضی مشابه سال های گذشته پرهیز کنند.

دیدار هیئت پارت دمکرات کردستان از دفتر سیاسی حزب

روز شنبه، ۱۳۸۴/۱۲/۱۳، هیئتی از پارت دمکرات کردستان عراق متشکل از آقایان محمد ملاقادر از اعضای مکتب سیاسی پارتی، عمر عثمان و قادر قادر از اعضای کمیته‌ی مرکزی، د. عبدالله آگرین و دیاری حسین از اعضای علی‌البدل کمیته‌ی مرکزی، احمد بداغ و محمد هرکی از اعضای مکتب مرکزی سازمانی پارتی و دیاری عثمان، مسئول سازمانی کویسنجق پارتی از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کرد، که از سوی آقای مصطفی هجری، دبیر کل حزب و آقایان محمد نظیف قادری از اعضای دفتر سیاسی، لقمان مهفر، عضو کمیته‌ی مرکزی و محمد حسنیپور عضو علی‌البدل کمیته‌ی مرکزی حزب، به گرمی مورد استقبال قرار گرفت.

دو طرف طی یک دیدار دوستانه، پیرامون تحولات کردستان و فشارهایی که جمهوری اسلامی با آن روبرو است، به بحث و تبادل نظر پرداختند و در پایان برضرورت اتحاد و همبستگی مبارزاتی نیروهای سیاسی کردستان در این مرحله‌ی سرنوشت ساز از تاریخ ملت کرد و همچنین برگسترش روابط دوستانه‌ی دو طرف تأکید نمودند.

دیدار هیئت حزب زحمتکشان کردستان از دفتر سیاسی حزب

روز جمعه، ۱۳۸۴/۱۲/۱۲، هیئتی از حزب زحمتکشان کردستان به ریاست آقای قادر عزیز دبیرکل حزب و همراهی آقایان بهمن حسین، عضو مکتب سیاسی، مام جوهر، عضو رهبری حزب و دلسوز حسین، مسئول دفتر کویسنجق حزب از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، دیدار به عمل آورد، که از سوی آقای مصطفی هجری و آقایان حسن شرفی معاون دبیرکل، حسن رستگار، علی مهرپورر، محمد نظیف قادری و تیمور مصطفائی از اعضای دفتر سیاسی حزب، به گرمی مورد استقبال قرار گرفت در این دیدار دو طرف پیرامون وضعیت سیاسی کردستان و تحولات منطقه به بحث و تبادل نظر پرداختند.



رامبد لطفپوری

کرد و انتفاضه‌ی مردمی، دیروز سنندج، امروز ماکو

در مصاحبه با آقای رامبد لطفپوری



اسماعیل شرفی

۷ سال پیش در روز سوم اسفندماه ۱۳۷۷ خورشیدی مردم حماسه ساز سنندج علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران اقدام به قیامی مردمی نمودند که ددمنشانه از سوی مزدوران رژیم مورد هجوم و سرکوب قرار گرفتند. در آستانه‌ی هفتمین سالروز این رویداد، مردم آگاه و نستوه ماکو و اطراف آن اقدام به برپایی چنین قیامی نمودند که متأسفانه همانند مردم سنندج مورد تعرض و سرکوب مزدوران قرار گرفتند.

به منظور یادآوری رویداد سوم اسفند سنندج و تحلیل تظاهرات اخیر مردم ماکو و اطراف آن و به‌طورکلی نگاهی به محتوا و شیوه‌ی مبارزه‌ی چند سال اخیر مردم کردستان. "رادیو صدای کردستان" گفتگویی را با آقای رامبد لطف پوری از کادرهای حزب دمکرات کردستان به انجام رسانیده است که متن آنرا در ذیل می‌خوانید.

س: روز بخیر آقای لطف پوری، از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید تا در مورد حادثه‌ی سوم اسفندماه شهر سنندج خونین پرسشهایی از شما داشته باشیم ممنون و سپاسگذاریم.

ج: من هم ضمن عرض درود و خوشامد، متقابلاً از شما و کلیه‌ی مسئولین رادیو صدای کردستان ایران به‌خاطر فراهم نمودن مجال این

کردستان به خصوص نمود خارجی ندارند، می‌باشد. همچنین توسعه نیافتگی اقتصادی و تورم، فقدان مشروعیت سیاسی و عدم مشارکت مردمی که زمینه‌های عدم ثبات را در ایران مهیا نموده‌اند از نشانه‌های بارز فقدان توسعه‌ی سیاسی در ایران می‌باشند. مسئله‌ی دیگری که می‌تواند در ایجاد یک جنبش ملی و یا جنبشی با این وسعت و فراگیری مؤثر باشد ستم ملی است که در ایران بسیار محسوس و مشهود می‌باشد، بدیهی است که در ایران تنها کردها در معرض ستم ملی واقع نیستند بلکه ملت‌های ترک، بلوچ، عرب و دیگر ملت‌های ایران را نیز شامل می‌گردد. هر چند که ممکن است میزان ستم و شدت سرکوب نسبت به کردها که اصرار بیشتری بر حقوق خویش نموده و جهت تحقق آنها مبارزه‌ی مداوم داشته‌اند بیشتر و مشهودتر می‌باشد. اوضاع ناسامان اجتماعی از دیگر عوامل مؤثر در ایجاد جنبش می‌باشند، عدم رفاه، وضعیت اقتصادی و معیشتی نامناسب، فقدان امنیت و آزادیهای اجتماعی، احساس بی‌هویتی، بی‌بندوباری اجتماعی و فساد همه جانبه، جنگی زمینه ساز ظهور یک جنبش هستند. فاکتور ساختار و بافت جمعیتی جامعه نیز دارای اهمیت ویژه می‌باشد. بافت جمعیتی جامعه‌ی ما جوان است، ساختار جوان هم ساختاری رادیکال، تحولگرا و ریسک پذیر می‌باشد، چیزی برای از دست دادن ندارد از این رو به آسانی وارد میدان مبارزه می‌شود. فاکتور دیگر ارتقا و افزایش میزان آگاهی ملی است که خود محصول عوامل بسیاری است. از آن جمله گسترش و جهانی شدن ارتباطات، که دیگر بدان شیوه‌ی مونوپول گذشته و در انحصار دولتها باقی نمانده و ملت‌های تحت سلطه نیز در اشکال گوناگون اینترنت و یا ماهواره از آن برخوردار می‌باشند، و

مبارزه‌ی ما نه با ترک نه با فارس نه با عرب نه با شیعه

و نه با هر ملت، مذهب و یا دین دیگری نیست.

ما با ظلم در ستیزیم، هر کس و یا هر حکومتی

که حقوقمان را غصب نماید ما خصم اویم،

این پیام جنبش حق طلبانه‌ی ملت ماست

یا رویدادهای تاریخی اصلاحات ارضی و اسکان

عشایر در ایران که به مرور زمینه‌های ایجاد یک بورژوازی شهری را فراهم آوردند و چنانکه می‌دانیم ایجاد بورژوازی شهری نیز خود از اصیلترین فاکتورهای ظهور ناسیونالیسم می‌باشد. از دیگر

عوامل رشد آگاهی ملی گسترش آموزش و پرورش می‌باشد، آموزش و پرورش نوین در ایران دارای اسلوبی غربی است با ویژگیهای خاص خود که بوجود آورنده‌ی انسانی آزاد و سرکش می‌باشد،

انسانی که در برابر هر مسئله و گزاره‌ی علامتی سؤال قرار داده و هیچ چیز را به سادگی نمی‌پذیرد. تحت این سیستم در فرد کرد کاراگری بوجود آمد که با احاطه و آگاهی نسبت به حقوق و محرومیت‌های خویش پرسشهای بسیاری را فرآوری

خود، جامعه و ملتش قرار داد، چرا از حق تعیین سرنوشت محروم، چرا نباید رئیس جمهور، رهبر و یا وزیر باشم؟ و صدها چرای دیگر.

اما در مورد قیام سوم اسفندماه سال ۱۳۷۷ سنندج بهتر است ابتدا ساختار و بافت جمعیتی

سنندج را مورد توجه قرار دهیم، ساختار جمعیتی این شهر همچون دیگر شهرهای کردستان بافت و ترکیبی جوان می‌باشد، ساختاری رادیکال و تحولگرا. اگر چه سرکوب می‌شود اما واقعیت موجود را نمی‌پذیرد، مردم این شهر تحت شدیدترین فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار دارند که بر مردم ایران و به ویژه ملت کرد وارد می‌آید، عموم مردم بدین باور رسیده‌اند که بیش از این نمی‌توان وضعیت موجود را تحمل نمود و این حکومت حکومتی نیست که توانایی تحقق بخشیدن به خواسته‌های آنان را داشته باشد. در چنین شرایطی دستگیری اوجالان همچون عامل تسریع کننده‌ی روی می‌دهد، چنانکه اشاره نمودم زمینه‌ی قیام از هر لحاظ مهیا بود، ناراضیاتی از گرانی، فساد، فقر، نبود آزادیهای سیاسی و اجتماعی با یک بافت جمعیتی جوان، یعنی کردستان تبدیل به مخزن از بنزین گشته که برای شعله‌رو ساختن آن جرقه‌ای کافی است، و آن جرقه گرفتن اوجالان بود، دستگیری یک رهبر کرد احساسات ملی مردم را خدشه‌دار نمود. برای مردم پذیرفتنی نیست، شاید انتقادی هم از این رهبر و حزب تحت رهبری او داشته باشند اما به هر حال رهبر یک حزب کردی است با همه‌ی معایب و محاسنش. رهبری توسط اشغالگران ربوده شده و به اسارت در می‌آید آنهم بدانگونه چشم و دست بسته، این مسئله غرور و احساسات ملی مردم را خدشه‌دار نموده و همچون عاملی تسریع کننده آنها را به میدان مبارزه و قیام می‌کشاند.

س: همانطور که مستحضرید در آن هنگام تلویزیون جمهوری اسلامی در سطح گسترده‌ای به پوشش خبری رویداد مزبور پرداخته و اقدام به پخش تصویر عبدالله اوجالان در حالی نمود که دو تن از تروریستهای آدم ربای دولت ترکیه او را در میان گرفته بودند، به گونه‌ای که موجب تحریک احساسات ملی مردم کرد گردید، گویی عمدی در کار بود، اما پرسش اینجاست که پس از آن چه عاملی سبب می‌گردید که رژیم چنین ددمنشانه به سرکوب مردم بپردازند؟

ج: چنانکه می‌دانیم رژیم جمهوری اسلامی رژیمی سانسورگر می‌باشد، رژیمی است که خصوصاً مسائلی که به نحوی از اغنا با مسئله‌ی ملی کرد مرتبط می‌باشند را سانسور می‌نماید، با این حال این مورد خاص را اینچنین بی‌پرده منعکس می‌نماید. به نظر من یکی از اهداف جمهوری اسلامی تغییر جهت دادن افکار و انتقادات مردم کردستان شرقی به سوی کردستان شمالی بوده و در پی اثبات این موضوع بود که مسئله کردها مربوط به کردستان شمالی (ترکیه) است نه اینجا، در همین راستا و در ادامه‌ی همین سیاست سعی در برجسته نمودن شخصیت آقای اوجالان و حزب "P.K.K" داشت.

س: می‌خواهید بگویید که جمهوری اسلامی می‌خواهد وانمود نماید که اساساً در ایران مسئله‌ای به نام کرد وجود نداشته و موضوعیت ندارد؟

ج: بله، دقیقاً همینطور است. می‌خواهد بگوید که مسئله‌ی کرد در جای دیگری است، ما هیچ مشکلی با کردها نداریم، از طرفی نیز می‌خواهد وانمود نماید که ما (ایران) حتی حامی حرکت و جنبش کردها نیز می‌باشیم در حالیکه آنها (ترکیه) چنین رفتاری با کردها دارند. عوامل و دلایل دیگری نیز در این موضوع‌گیری ایران دخیل می‌باشند که به دلیل ضیق وقت از ذکر آنها خودداری می‌کنم. به هر حال جمهوری اسلامی حتی انجام یک راهپیمایی را نیز مناسب دانسته و مقدماتی هم برای آن فراهم نمود، اما آنچه را که

انتظار نمی‌کشید واقعیتی بود که رخ داد. حکومت ایران غافل از اینبود که مردم کرد هشیارتر از آنند که تظاهرات خود را تنها محدود به دفاع از خواسته‌های کردهای بخشی از کردستان نمایند. مردم کردستان به خیابانها ریختند و به طرح خواسته‌ها، مشکلات و دردهای خویش پرداختند. نشان دادند که تنها حکومت ترکیه نیست که کردها را مورد ستم قرار می‌دهد، در ایران هم کردها در معرض ظلم و سرکوب قرار دارند، از شهیدایشان گفتند. شما می‌بینید که در سوم اسفند عتوای شعرهای مردم را بیشتر تجدید میثاق با شهید دکتر قاسم و حزب دمکرات و اظهار تنفر و ناراضیاتی از جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌دهند. جمهوری اسلامی هرگز بدین مسائل نیندیشیده بود و گرنه هرگز اجازه‌ی چنین راهپیمایی را نمی‌داد. سرکوب خونینی که پس از ساعت‌های اولیه‌ی تظاهرات رژیم بدان اقدام ورزید مؤید این ادعا می‌باشد.

س: آقای لطف پوری اگر رویداد سوم اسفند را نقطه‌ی اوج سلسله اعتراضاتی بدانیم که مردم کردستان انجام دادند، آیا می‌توان گفت که این نقطه‌ی آغاز شیوه‌ی نوینی از مبارزه بود که غالباً از آن به عنوان انتفاضه‌ی مردمی نامبرده می‌شود؟ به عبارتی مبارزه‌ی مردم کرد از مرحله‌ی وارد مرحله‌ای دیگر شده است، قیام مردم تنها به یک شهر محدود ماند بلکه به سرعت دیگر شهرهای کردستان را نیز فراگرفت، بصورتی که همصدایی و همسویی خاصی در آن دیده می‌شد. به ویژه در سالهای اخیر و علی‌المخصوص تابستان امسال، شروع حرکتی دیگر را در مهاباد شاهد بودیم که به سرعت دیگر شهرهای کردستان را نیز دربر می‌گیرد. در این باره چه می‌گویید؟

ج: به اعتقاد من انتفاضه‌ی مردمی‌ای که از آن سخن گفتید و سال ۷۷ و سوم اسفند را سرآغاز آن عنوان نمودید واقعیت دارد اما بدان معنا نیست که شیوه‌ی قبلی مبارزه دمده شده یا تاریخ مصرف آن به پایان رسیده باشد. ما پیشتر ناچار شدیم شیوه‌ی مسلحانه‌ی مبارزه را برگزینیم، هیچ راه دیگری نداشتیم، ما ملتی بودیم که در ایران به حاشیه رانده می‌شدیم، در معرض آسیمیلیاسیون قرار داشتیم، می‌خواستند فراموش شویم و در فرهنگ فارسی استحاله گردیم، اگر شما در فرهنگ ملتی دیگر ذوب شدی به آسانی تاریخ خویش را فراموش خواهی نمود، قدرت دفاعی را از دست داده تسلیم خواهی شد، همه‌ی هویت و تاریخ تو مبدل به مجموعه‌ای از خاطرات مبهم و آشفته و یا چند سطر سطر خواهد گردید که در لابلای کتابهای کهنه خواهی خواند. ما در معرض چنین تهدیدی بودیم، چاره‌ای نبود. چه بسیار تلاش نمودیم از طریق دیپلوماسی و مبارزه‌ی مدنی حقوقمان را

مطرح کنیم و از مشکلات و دردهایمان بگوییم. به عنوان نمونه در کردستان شرقی هنگامی که پیشوا قاضی محمد مبارزه‌ی مدرن ملی کرد را آغاز نمود، به مبارزه‌ی مسلحانه متوسل نگردید. از راه گفتگو و به شیوه‌ای کاملاً مسالمت آمیز و مدنی به مطالبه‌ی حقوق کرد پرداخت. اما دیدیم که تلاشهایمان را چگونه پاسخ گفتند. حتی هنگامی که به خاطر پیشگیری از بغرنج تر گردیدن اوضاع و جلوگیری از فاجعه‌های احتمالی آمادگی تسلیم خویش به نیروهای رژیم شاهنشاهی می‌شود، پاسخ آنها را دیدیم. او و بخشی دیگر از رهبران و فعالان حزب و جمهوری کردستان را اعدام و به شهادت می‌رسانند. در سالهای بعدی هم همینطور، پس از انقلاب ملت‌های ایران در سال ۱۳۵۷ را در نظر بگیرید، تا چه اندازه جنبش کرد و رهبریت آن سعی در حل مسئله از طرق مسالمت آمیز و دیپلماتیک دارد. به ویژه حزب دمکرات و شخص دکتر قاسملوی زنده‌یاد تلاشهای بسیاری را به منظور حل مسئله از طریق دیپلماسی انجام دادند، اما بازهم بی‌ثمر بود و خمینی فتوی جهاد صادر نمود. بعدها نیز علی‌رغم تمام خصوصتهای فی‌مابین بازهم دکتر قاسملو راه دیالوگ را برگزیده و برسر میز مذاکره می‌نشیند. اما نتیجه؟ واژه‌های آشتیجویانه‌اش را با گلوله پاسخ گفتند. در برابر چنین منطقی چه خواهی گفت؟ با این طرز تفکر چه خواهی کرد؟ چاره‌ای به غیر از مبارزه‌ی مسلحانه نخواهی داشت. مبارزه‌ی مسلحانه رمز ماندگاری ما (کرد) بود، ما ناچار بودیم. اما به مرور اوضاع و شرایطی به وجود آمد که ما مجبور شدیم به خاطر منافع کردهای کردستان جنوبی و حل مسئله‌ی آنها موقتاً از مبارزه‌ی مسلحانه بدان شیوه‌ی گسترده صرف‌نظر نماییم، چرا که حل مسئله‌ی کرد در هر یک از بخشهای کردستان را برای حل مسئله‌ی تمام بخشهای کردستان مثبت ارزیابی می‌نماییم. پس از این مرحله بود که ما کردها به شیوه‌ای جدید کار آگاه نمودن بیشتر مردم و سازماندهی تشکیلات داخلی به منظور فراهم نمودن یک انتفاضه‌ی مردمی را سرلوحه‌ی فعالیت‌هایمان قرار دادیم. زمینه‌ای که برایش کار کردیم در اسفند ۱۳۷۷ در اکثر شهرهای کردستان و در اوج خویش در سنندج متبلور گردید. طبیعت مبارزه و انقلابی بودن این است اگر دردی را برویت بستند یا راه شیوه‌ای از مبارزه را مسدود نمودند، بدین معنا نیست که تو نیز دست روی دست گذاشته و خاموش گردی. ما در حال مبارزه‌ایم، هردری را که برویمان ببندند از دیگر در وارد خواهیم شد، همه‌ی درها را هم که بستند آنگاه از پنجره وارد می‌شویم یعنی باید جنگید. ما خود را

دکتر رؤیا طلوعی، روشنفکر و فعال حقوق بشر:

من به همراه تمامی پیشمرگان و مبارزان میهن سرفرازم به کشور بازخواهم گشت



سارینا
بخش دوم و پایانی



دکتر رؤیا طلوعی

آیا براساس ترقی و پیشرفت جهان و شرایط وضعیت حاکم بر آن زنان حزب نیز از جایگاه بهتر و مترقیانه‌تری برخوردارند؟ سهم زنان در رهبری حزب به چه میزان است؟ چقدر فرصت و مجال پرورش و آماده‌ساختن آنها فراهم است؟ زنان تا چه اندازه در تصمیمات حزب سهیم‌اند؟ چند زن عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی می‌باشند؟ چند زن در مقام دبیرکل داشته‌ایم؟ سطح سواد زنان حزب

در مقایسه با مردان به چه میزان است

رساندن دکتر قاسم‌لو بحث و گفتگو کرده بودم. در آن بخش از پرسش‌ها که می‌گویند این حزب به برابری کامل زن و مرد اعتقاد عمیق دارد، من فکر می‌کنم امروزه این ادعا بیشتر در قالب حرف است تا عمل. دوران پیشوا را به نظر آورید ببینید زن برای شرایط آزمون چقدر مؤثر بود؟ شما بیانیید به مقایسه‌ی جامعه آن دوران و جامعه کنونی و شرایط حاکم بر آن پردازید. آیا براساس ترقی و پیشرفت جهان و شرایط وضعیت حاکم بر آن زنان حزب نیز از جایگاه بهتر و مترقیانه‌تری برخوردارند؟ سهم زنان در رهبری حزب به چه میزان است؟ چقدر فرصت و مجال پرورش و آماده‌ساختن آنها فراهم است؟ زنان تا چه اندازه در تصمیمات حزب سهیم‌اند؟ چند زن عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی می‌باشند؟ چند زن در مقام دبیرکل داشته‌ایم؟ سطح سواد زنان حزب در مقایسه با مردان به چه میزان است؟

هر چند نمی‌توان منکر مبارزه و فعالیت مستمر اتحادیه‌ی زنان حزب شد و بی‌گمان نزد من بسیار حائز اهمیت است، اما فکر می‌کنم هنوز راه طولانی فراروی خود داریم تا به آن عمقی که شما به آن اشاره کردید، برسیم. دوست دارم این پرسشها و پاسخ آنها بدون سانسور چاپ شود چونکه به اعتقاد من این نشانه‌ی مهمی از دمکرات‌بودن حزبی است که تاب تحمل انتقاد را دارد و حتی آنرا در روزنامه‌اش به چاپ می‌رساند. همان دمکراسی و آزادی بیانی که بمدت بیست‌وهفت سال است در ایران از آن محروم هستیم.

با تشکر، موفق باشید.

زنان این احزاب در ارتباط با مسائل و مشکلات مشترکشان متفق‌القول نیستند! این در حالی است که اهداف کلیه‌ی ما برابری زن و مرد می‌باشد و بنظر من تمامی ما در این رابطه همصدا هستیم اما با گرایش متفاوت. فکر می‌کنم زمان آن فرا رسیده‌است که زنان این سنت مردسالارانه را درهم بشکنند و برای ایجاد جبهه‌ی زنان افکار و نظرگاههای متفاوت را تحمل نمایند و جلگی ما برای تحقق اهداف مشترکمان یعنی برابری زن و مرد و احقاق حقوق بشر فعالیت نماییم، خواه چه زنان بیطرف یا هوادار و وابسته به احزاب کومله، دمکرات، پژاک، اتحادیه انقلابیون، کمونیست، مذهبی و غیره باشد. مگر نه اینکه کلیه‌ی ما زن هستیم و بخاطر جنسیتمان استعمار شده‌ایم.

س: همانطور که مطلعید شصت سال از تأسیس حدکا می‌گذرد. حزبی که در راه تحقق حقوق و آزادیهای مردم کردستان مبارزه‌ی گسستگی‌ناپذیری را با اعطای خون هزاران شهید سرفراز ادامه داده و در برنامه‌ی خود اعتقاد عمیقی به کلیه‌ی مفاد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و بویژه برابری کامل زن و مرد در خانواده و جامعه دارد. بعنوان آخرین پرسش چه نظری در ارتباط با حزب دمکرات کردستان ایران دارید؟

ج: من بمثابه یک کرد تمامی احزاب کردی را دوست دارم. کلیه‌ی مبارزان و فعالان ملت من محبوب و گرامی هستند. البته یکی از اتهامات من در کيفرخواستم هواداری از حزب دمکرات کردستان ایران بود بدلیل آنکه در یک مصاحبه‌ی رادیویی در مورد به‌شهادت

داده‌اند؟ آیا از برابری که در مورد آن بحث می‌کنند زنان چقدر سهیم بوده‌اند؟ تجارب اجتماعی ثابت نموده است شکاف جنسیتی در هر طبقه‌ای متداول بوده‌است و برای نمونه یک زن کارگر هرگز از حقوق و مزایای یک مرد کارگر برخوردار نیست و بخاطر جنسیتی مداوم استعمار می‌شود. ما زنان نمی‌توانیم با شعار بی‌عمل برابری خود را فریب دهیم. برابری باید در تمامی زمینه‌ها تحقق یابد.

۷- بر این اعتقادم که جنبش زنان داخل کشور جنبشی ایدئولوژیک نیست و به سهولت نمی‌توان آنرا جنبشی لیبرال قلمداد کرد. بل این جنبش در پاسخ به ایدئولوژی افراطی شکل گرفته‌است و از هر ایده‌ای محذور و تنگ‌نظرانه که را متکلم وحده و واقعیت محض می‌داند بیزار است. این جنبش تعریف و ویژگی خاص خود را داراست و اثربخش هم بوده است. و هرچند بخاطر شرایط حاکم بر ایران دستاورد چندانی نداشته است. در همین ارتباط جنبش کارگری و دانشجویی نیز همین وضعیت را داشته و این مسائل و مشکلات صرفاً جنبش زنان نیست.

۸- شوربختانه زنان کرد و زنان ایران نیز از همان راه و روش مردسالارانه متابعت می‌نمایند که بر کلیه‌ی دستجات و گروهها تحمیل شده‌است. برای نمونه هوادار فلان حزب براساس دیدگاههای همسرانشان با زنان حزب دیگری که افکار ایدئولوژیک‌شان با آنها متفاوت است ناسازگارند و بهم نزدیک نمی‌شوند. من با چشمان خود این پدیده را مشاهده کرده‌ام و بسیار متعجب و شگفت‌زده شدم. کلیه‌ی احزاب از حقوق زن و برابری زن و مرد بحث و گفتگو می‌نمایند، اما

۲- باید تلاش زیادی از خود بعمل آوریم تا فرهنگمان را از حالت شفاهی به صورت مکتوب درآوریم. زنان و مردانمان باید به خواندن و آموزش خود و فرزندانمان اهتمام و اهمیت دهند. هرچه سطح سواد و آگاهی خود را ارتقاء دهیم هنوز ره زیادی نپیموده‌ایم و خلاء زیادی داریم.

۳- مظلومان چه زن باشد چه یک ملت، بخاطر ستمی که در حق وی اعمال می‌شود با مسائل و مشکلات زیادی بلحاظ شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی زیادی مواجه خواهد شد. نخستین اقدام برای رهایی از این ستم ضروری است به خود و تواناییهایمان اعتماد نماییم. نه زن شجاع و توان را به مرد تشبیه نماییم و نه کردهای باشهامت و توانمند را به دستپروردگان حاکمیت. باور کنیم که ما نیز برخوردار از توانایی و استعداد هستیم. ما تواناییهای خود را صرف متهم کردن همدیگر می‌نماییم - که در این راه به حاکمیت خدمت می‌نماییم - اگر این انرژی و تواناییها را صرف متحدساختن خود نماییم، مسلماً دستاوردهایمان بیشتر می‌شود.

۴- برای آنانکه با مطالعه و حفظ‌نمودن دو کتاب خود را بعنوان روشنفکر و باسواد تلقی می‌نمایند و تمامی اوقات خویش را صرف حفظ افکار و گفته‌های نوین و پیشین اندیشمندان غربی می‌نمایند و به نام روشنفکری و سواد، آگاهی و مطالعات خود را به رخ همدیگر می‌کشند - که متأسفانه این پدیده در داخل کشور روبه افزایش است - ابراز می‌دارم، روشنفکر بودن حفظ‌نمودن و احساس باسواد و یا کشیدن حانلی میان خود و مردم نیست. احتیاط و عدم شهامت، عاقل پنداشتن، به مفهوم روشنفکری نیست. روشنفکر باید شجاع و منتقد باشد و از مردمش فاصله نگرفته باشد، روشنفکری که نتواند بر زندگی مردم تأثیر گذارد، پیشیزی نمی‌ارزد. اگر خود خالق و مبدع افکار نوین نیست، به نسخه‌پیچی اندیشه‌های غربی نیز نپردازد و تلاش نماید آنها را با جامعه‌ی کرد منطبق کند. از دیدگاه من روشنفکر پیشمرگ فرهنگی است و البته ترس و محافظه‌کاری در خود پیشمرگ نیست.

۵- زنان فعال و مبارز کرد باید در این مقطع که جنبش زنان در جهان به دستاوردهای خوبی نایل آمده‌است، علاوه بر مبارزه

ما هنگامی می‌توانیم به تأسیس حکومتی دمکراتیک اقدام نماییم که فکر و اندیشه‌امان دمکراتیک باشد. کردها برای دمکرات بودن ضروری است فردپرستی را

به‌کنار نهند. این رسم که فردی را خدا بپنداریم و وی را آنقدر بزرگ و والا تلقی می‌کنیم که فکر کنیم عاری از اشتباه و مافوق بشر است، اشتباه بزرگی است. غالباً نیز قهرمانی را که ساخته و پرداخته‌ایم با کمترین اشتباه مورد سرزنش و طعنه قرار می‌دهیم و چنان بیرحمانه وی را به نقد می‌کشیم که دیگر نتواند سر بلند کند

و این نیز اشتباه بزرگتری است

ج: سخنان بسیاری برای گفتن دارم، امیدوارم خوانندگان محترم رغبت‌ده‌خاطر نشود.
۱- ما هنگامی می‌توانیم به تأسیس حکومتی دمکراتیک اقدام نماییم که فکر و اندیشه‌امان دمکراتیک باشد. کردها برای دمکرات بودن ضروری است فردپرستی را به‌کنار نهند. این رسم که فردی را خدا بپنداریم و وی را آنقدر بزرگ و والا تلقی می‌کنیم که فکر کنیم عاری از اشتباه و مافوق بشر است، اشتباه بزرگی است. غالباً نیز قهرمانی را که ساخته و پرداخته‌ایم با کمترین اشتباه مورد سرزنش و طعنه قرار می‌دهیم و چنان بیرحمانه وی را به نقد می‌کشیم که دیگر نتواند سر بلند کند و این نیز اشتباه بزرگتری است.

س: اینکه که در خارج از کشور به سر می‌برید و با توجه به سختیها و مصایبی که در راه مبارزه متحمل شدید، بنظر نمی‌رسد درصدد بازگشت به داخل کشور باشید. چه برنامه‌ای دارید و آیا به فعالیت مبارزاتی خود ادامه می‌دهید؟

ج: من به همراه تمامی پیشمرگان و مبارزان میهن سرفرازم به کشور بازخواهم گشت. فکر می‌کنم در این شرایط مسائلی که بلحاظ بین‌المللی و چه بلحاظ داخلی گریبانگیر جمهوری اسلامی شده‌است، بازگشت کلیه‌ی ما چندان طول نخواهدکشید. آزمون طالبان در افغانستان و صدام در عراق و پروژه‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ به ما می‌گوید که وقوع تحولات حتمی و بی‌چون‌وچرا است. همانطور که مطلعید، گزارش پرونده‌ی انرژی اتمی ایران از جانب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شد و بنظر نمی‌رسد که آینده‌ی رژیم ایران آینده‌ای تابناک و درخشان باشد. من برای ادامه‌ی فعالیت‌هایم به خارج از کشور آمده‌ام. البته اگر در ایران می‌ماندم، حتی اگر از تهمت محارب نیز رهایی می‌یافتم - که غیرممکن بود - می‌بایستی خاموش و ساکت می‌شدم و هیچ مطلبی را به رشته‌ی تحریر درنیاورم. سکوت برای من همانند زندان ابد می‌باشد و البته از اعدام بدتر. چونکه با اعدام زندگی خاتمه می‌یابد اما زندگی در زندان بدتر از مرگ می‌باشد. برای من سکوت و عدم فعالیت بسی دشوارتر از مرگ می‌باشد.

س: بعنوان فعال حقوق بشر و حقوق برابری زن و مرد، چه پیامی برا خوانندگان "کردستان" و بطور کلی زنان دارید؟

مقطع نوینی از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی ملت کرد



اسماعیل شرفی

ترجمه از کردی: "هه‌زیر"

مبارزه، وحدت صفوف توده‌های مردم می‌باشد، یعنی همدادی و اتحاد مواضع مشترك. این ویژگی به کلی در تظاهرات اسفندماه سال ۱۳۷۷ و تابستان سال جاری ملتمان در شهرهای کردستان به وضوح تجسم یافت. پس از آنکه رژیم کردستیز جمهوری اسلامی موجب وقوع فاجعه‌ی سوم اسفندماه در سنندج شد و هجوم سرکوبگرانه‌ی خود علیه مردم این شهر آغاز نمود، مردم دیگر شهرهای کردستان برای حمایت از برادران خویش در شهر سنندج و محکوم و تقبیح نمودن جنایت‌های رژیم به خیابانها ریختند. همچنین در تابستان امسال نیز یکبار دیگر کلیه‌ی مردم کردستان ثابت نمودند که براساس روح ملی، همصدا و هماهنگ می‌باشند. به‌همین دلیل پس از تظاهرات مردم شهر مهاباد و یورش رژیم علیه مردم این شهر، مردم سایر شهرهای کردستان به خیابانها آمدند و به یاری شهر مهاباد شتافتند و کینه و نفرت خود را از رژیم ابراز نمودند.

اعمال فشار مضاعف علیه مردم کردستان:

رژیم به وضوح به قاطعیت مردم کردستان در مبارزه علیه خود پی برده‌است. اما براساس ماهیت ضدخلقی و ارتجاعی خود حاضر به اعتراف به حقوق و مطالبات این ملت نیست. به‌همین دلیل با هدف خاموش نمودن صدای حق‌طلبی، هر روزه بر فشارهای خود علیه مردم کردستان می‌افزاید و سعی در سرکوب نمودن آنها به احاء مختلف می‌نماید. این نیز از یک سو نشانگر استیصال و واماندگی رژیم و از دیگر سوی نشاندهنده پیگیری و اصرار ملتمان در رد این رژیم در کلیت آن است.

اینک با واردشدن مبارزه‌ی آزادبخواهانه‌ی ملتمان در شرق کردستان به چنین مقطع نوینی، ضروری است جریانهای سیاسی شرق کردستان و جلوتر از همه حزب دمکرات کردستان ایران به نقد و بررسی دقیق و موثکافانه‌ی این مقطع حساس بپردازند، تا بتوانند طرق رسیدن به اهداف ملی‌مان را کانالیزه نمایند و بمنظور احقاق حقوق روای کرد حس ملی ملتمان را تقویت بخشد.

* * *

یاد کرد. زیرا نمایش قاطعیت و پشتکار زنان در خصوص مطالبه‌ی حقوق خود و عزم راسخشان در پیشبرد روزافزون مبارزه برای برابری، توجه ما را به سوی افق روشن آینده، معطوف می‌دارد.

ولی من آرزو می‌کنم که ۸ مارس، ضمن حفظ تمامی این ویژگیها، نزد ما مردان و همه‌ی نهادها و بنیادهای اجتماعی که مردها نقش اساسی را در آنها برعهده دارند، دارای پیام یا ویژگی دیگری نیز باشد. آرزومندم ۸ مارس نزد همه‌ی مردانی که ادعای دمکرات و مدرن بودن دارند، نزد همه‌ی احزاب و تشکلات و سازمانهایی که برای آزادی و دمکراسی در تلاش بوده و علیه انواع ستم و استثمار مبارزه می‌کنند، تبدیل به روز بازنگری در رفتار و مواضع و روز انتقاد از خویش گردد. بیاییم نوع نگرش و رفتارمان در قبال زنان را مورد بازنگری قرار دهیم و با انگشت گذاشتن بر ضعفها و کاستی‌هایمان در زمینه مهیا ساختن زمینه‌ی مساعد برای جلب این قشر و کم کاری در برداشتن موانع رشد و پیشرفت آنان از خود انتقاد نموده و خود را متعهد به حل مشکلات و رفع کمبودهای آنان سازیم.

(*) این عنوان را نخستین بار دکتر قاسمی زنده‌یاد برای مقاله‌ای که مناسبت روز اول ماه می (روز جهانی کارگران) نوشته بود و در شماره‌ی ۱۴۹ "کردستان" اردیبهشت ۱۳۶۸ منتشر شده است، برگزیده بود.

۱- و درگیر او له چند ژماره‌ی بلاکروای "آزای زن"

۲- پیام کوفی عنان به مناسبت ۸

مارس، سایت rassaa

* * *

هم‌آوایی را در جنبشهای این ملت در شرق کردستان موجب شده‌است که حتی نگرش ملی‌اشان به فراتر از مرزها کشیده شده و مسائل و مشکلات خویش را در قالب یک کبان مستقل کردی در هر چهار بخش کردستان جستجو می‌کنند. لیک موضع آنها که هنوز هم تحت ستم و استثمار قرار دارند از دو جنبه قابل بررسی است،

از یک سو دستاوردها و مناسبتها را متعلق به کرد و کردستان در حکمیت آن می‌دانند و نسبت به آنها موضع‌گیری می‌نمایند، و از دیگر سوی نیز این دستاوردها و مناسبتها را دستاویزی جهت برپایی تظاهرات و ریختن به خیابانها نموده و از این طریق صدای اعتراض و نفرت خویش را علیه زمامداران رژیم جمهوری اسلامی ابراز می‌دارند. با دستگیری اوچالان، تثبیت فیدالیزم در جنوب کردستان، فاجعه‌ی یکم شویات ارییل، رویدادهای کامیشلی و... مردم شرق کردستان نیز اتحاد موضع نمودند و از آن به‌مثابه دستاویزی برای رویارویی با رژیم استفاده کردند.

۲- جامع بودن حرکت‌های اعتراضی

لااقل در یک سال گذشته مردم کردستان علی‌العموم - نه تنها شهر و منطقه‌ی خاصی - در شهرها و مناطق کردستان (از ماکو گرفته تا ایلام)، به شیوه‌ی جامع و گسترده‌ای به حرکت‌های اعتراضی دست یازیده‌اند. خوانش این فاز نوین از مبارزه‌ی ملی حداقل این واقعیت را برآیند به اثبات می‌رساند که ملتیمان در شرق کردستان به‌لحاظ هشیاری بدان سطح از خودشناسی ملی نایل شده‌اند که به این خیزشها قالبی جامع و گسترده ببخشند.

۳- همدادی و اتحاد مواضع مشترك توده‌های مردم:

از دیگر ویژگیهای مقطع امروز



صحنه‌ای از تظاهرات علیه جمهوری اسلامی

ملی چشم به آینده‌ی تابناک و درخشان دوخته است.

مبارزه‌ی چند سال پیش مردم کردستان علاوه برآنکه ارتقای حس ملی بشابه عنصری اساسی در آن مؤثر بوده‌است، از ویژگیهای خاص ذیل نیز برخوردار بوده‌است:

۱- دستاویز قراردادن مناسبتها و دستاوردهای سایر بخشهای کردستان:

ارتقای حس ملی و پروسه‌ی خودشناسی ملی به گونه‌ای همدادی و

مروح و قریب هفتصد تن را نیز بازداشت می‌نماید. علیرغم تمامی این سرکوبها و اختناقها چند روز پس از این جنایت، مردم هشیار مهاباد در حمایت از مردم ماکو و برای محکوم نمودن این جنایت تازه‌ی رژیم صدای اعتراضی خود را به گوش جهانیان رساندند. بنابراین فشارها و اختناقهای فزاینده‌ی رژیم نمی‌تواند اراده‌ی والای این ملت هشیار را به زانو درآورد. چون این اراده‌ی پولادین از سوابقه‌ای آکنده از فداکاری و ازخودگذشتگی برخوردار است و همینک نیز با ارتقای سطح آگاهی و هشیاری

همین خودآگاهی مردم کردستان به زمامداران رژیم جمهوری اسلامی فهماند که این ملت از مقطع تشمت و پراکندگی فاصله گرفته و به شیوه‌ی متحد و انسجام یافته علیه حاکمیت استبدادیشان به پا خاسته است. به‌همین دلیل با روی کار آمدن تروریستی همچو محمود احمدی‌نژاد و کابینه‌ی نظامی - امنیتی‌اش فشار و سرکوب علیه مردم کردستان بیش از گذشته فزونی یافت. قتل بیرحمانه‌ی شوانه سیدقادر و مثله‌کردن جنازه‌اش و آنگاه سرکوب تظاهرات مردم مهاباد و به شهادت رساندن چند تن از مردم شهرستان سقز و دیگر شهرهای کردستان در تابستان سال جاری صحت این دعوا را به ثبوت می‌رساند.

رژیم کردستیز جمهوری اسلامی ایران بر این تصور است که با اعمال فشار بیشتر علیه ملتیمان، می‌تواند مانع از ابراز صدای ناراضی‌ت مردم کرد شود یا بطریقی آنها را مرعوب نماید. اما مردمی‌بودن مبارزه‌ی امروز این ملت در همین خیزشهای سال جاری ثابت نمود که این رژیم سخت در اشتباه بوده و قادر به خاموش کردن صدای حق‌طلبی ملت کرد نیست. همانا مردم شهرهای سقز، سردشت، اشنویه، ارومیه، سنندج و ایلام بودند که در حمایت از مردم مهاباد و برای محکوم نمودن این رژیم به خیابانها ریختند و شعار "ما همگی جزو جوانان مبارز و انقلابی شهر مهاباد هستیم و مهاباد تنها نیست" را سردادند. اگر ارزیابی رژیم از درپیش گرفتن خشونت و سرکوب مردم کردستان صحت داشت، ما امروز نمی‌بایستی شاهد تظاهرات مردم قهرمان ماکو باشیم.

رژیم کینه‌توز و کردستیز جمهوری اسلامی با یورش به تظاهرکنندگان آزادبخواه ماکو ده تن از ساکنان این شهر را به شهادت رسانده، بیش از ۳۰ تن را

مبارزه حق‌طلبانه‌ی ملت کرد در شرق کردستان علیه حاکمیت کردستیز جمهوری اسلامی وارد مقطع خاص و نوینی شده‌است. نگاهی به خیزشهای اعتراضی چند سال اخیر مردم آگاه و هشیار شهرهای مختلف کردستان و بازخوانی ابعاد و جوانب مختلف این حرکتها، ما را برای ارائه‌ی تعریف مشخصی از این مبارزه ملی رهنمون می‌گرداند.

آنچه به نوعی در تغییر ماهیت و سبک مبارزه‌ی امروز ملتیمان مؤثر بوده و به‌مثابه مبارزه‌ی جامع و توده‌ای تبلور یافته است، همانا ارتقاء حس ملی توده‌های مردم کردستان است. به دیگر مفهوم روح و جوهره‌ی ملی با مبارزه‌ی حق‌خواهی ملتیمان عجین گشته‌است. روحی که توانسته هم‌آوایی و اتحاد مواضع مشترك را میان آحاد ملتی استثمارشده و سرزمینی تقسیم شده بیافریند.

نمودها و شاخصهای این فاز نوین از مبارزه‌ی ملتیمان به نوعی از هشیاری و خودشناسی ملی تعبیر می‌نماید، خودشناسی بدین مفهوم که برخلاف ادعای دشمنان، ما ملتی مستقل و برخوردار از خاک و سرزمین و تاریخ و زبان و فرهنگ خاص خویش هستیم. خودشناسی بدین معنی که ما (به‌مثابه یک ملت) چیزی از سایر ملت‌های جهان کمتر نداریم و از حق تعیین سرنوشت برخورداریم.

قیامهای مردمی شهرهای کردستان به‌خصوص در تابستان امسال علاوه بر برجسته‌نمودن این خودشناسی ملی، نشان داد که مردم کردستان رژیم جمهوری اسلامی ایران را در تمامیت آن بعنوان دشمن حقوق ملی خویش می‌شناسند.



قادر وریا

ترجمه از کردی: علی بدائی

روز خوشبینی نسبت به آینده (*)



صحنه‌ای از تظاهرات زنان ایران علیه نابرابری

محرمیت‌های اعمال شده بر زنان پیش روی جهانیان می‌گذارد. آینده‌ای که شاید یک هزارم تعدی و خشونت‌هایی را که بر زنان و دختران روا داشته می‌شود، یک هزارم وقایع مربوط به قربانیانی که خشونت از زنان می‌گیرد، یک هزارم حقایق مربوط به مرگ و فناشدن زنان به علت ایدز و تجارت سسک و فقر و جنگ را بازتاب

و هم‌زمان در راستای نیل به اهداف انسانی تبدیل شد. هر ساله هشتم مارس مناسبتی جهت جلب افکار عمومی به شرایط نابرابر و غیرانسانی تمییل شده‌ی زنان در کشورهای مختلف می‌گردد. هشتم مارس هر سال آینده‌ای به وسعت جهان برای نمایاندن ستم و

گفت که این روز بسیار زود از چهارچوب تجلیل از مبارزات و جانفشانی زنان کارگر نیویورک فراتر رفت. از آن هنگام ۸ مارس هر سال بیش از پیش به مناسبتی جهت همبستگی زنان جهانی با یکدیگر و فرصتی به منظور برگزاری همایشها و سینه‌ها و فعالیتهای گوناگون زنان برابری طلب و مردان حامی

روز هشتم مارس، زنان کارگر کارگاهها و کارخانه‌های نساجی شهر نیویورک، به منظور ابراز ناراضی‌ت در خصوص پایین بودن حقوق و دستمزدهایشان و نیز شرایط سخت و نائسانی محیط کار، به تظاهرات پرداختند. پلیس این تظاهرات را به شدت سرکوب کرد ولی مبارزه‌ی زنان کارگر در سالهای بعد همچنان ادامه یافت. طوری که در هشتم مارس ۱۹۰۸ (در سی و سومین سالروز سرکوب خونین تظاهرات زنان کارگر شهر نیویورک) زنان کارگر بخش نساجی در نیویورک بار دیگر در اعتراض به بکارگیری کودکان در کارگاهها و زنان به منظور رسمیت شناخته‌شدن حق رأی برای زنان، به راهپیمایی پرداختند. وقایع آروز موجب شد تا در سال ۱۹۰۹ روز هشتم مارس به عنوان روز ملی زنان در آمریکا اعلام شود. کلارا زتکین نیز در سال ۱۹۱۰ و در کنگره‌ی بین‌الملل سوسیالیستها پیشنهاد کرد روز هشتم مارس به‌عنوان روز جهانی زنان نامگذاری شود که با استقبال کنگره روبرو گردید و نتیجتاً تصویب شد.^(۱)

با نظری اجمالی به تاریخ برگزاری ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن، میتوان

پرونده اتمی ایران و منافع روسیه و چین



محمد جمیل کلاهی

ترجمه از کردی:
"خالی کانی"



نیروگاه اتمی ایران

همسایه‌های روسیه در منطقه دریای خزر می‌باشد و چون تغییری در این وضعیت ژئوپولیتیکی حاصل نخواهد شد، مصلحت روسیه در حفظ آرامش و امنیت منطقه می‌باشد. از اینرو روسیه خواستار حل مسئله اتمی ایران از طریق دیپلوماسی و مذاکرات سیاسی چند جانبه است و راه حل نظامی را تهدیدی بزرگ برای منطقه می‌داند.

۲- روسیه حالا هم دوست دارد به عنوان یک ابرقدرت در جهان ظاهر شود، از اینرو خواستار ایفای نقش در حد یک ابرقدرت است نه یک شریک درجه دوم.

۳- قبول پیشنهاد روسیه از سوی ایران علاوه بر حفظ و ثبات مصالح اقتصادی روسیه در این کشور، موجب ارتقای پرستیژ سیاسی روسیه نیز خواهد شد. از اینرو توافق بر سر هر تصمیمی در شورای امنیت سازمان ملل در گرو نتایج مذاکرات قدرتهای بزرگ جهان بر سر مناسبات اقتصادی، سیاسی و استراتژیهای آنان در ایران، خاورمیانه و جهان خواهد بود.

نفت چین می‌باشد. از اینرو هرگونه تنش در خلیج فارس خصوصاً حمله نظامی به ایران یا محاصره اقتصادی این کشور مستقیماً بر اقتصاد چین تأثیر منفی خواهد داشت، زیرا اقتصاد چین وابستگی شدیدی به نفت و گاز خلیج فارس دارد.

روسیه خود یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت و گاز در جهان است. پس از این نظر خودکفا و نیازی به انرژی ندارد و به گفته "ایگور زولوف"، رئیس مرکز خبرگزاری روسیه (نوستی) "این کشور سالیانه دو میلیارد دلار صادرات تجاری به ایران دارد که شامل فروش تسلیحات و همکاریهای هسته‌ای می‌گردد که این میزان ۲٪ صادرات روسیه به خارج می‌باشد." این موضوع بیانگر آن است که نگرش روسیه به این قضیه از نقطه نظر سیاسی است نه اقتصادی، زیرا روسیه علاوه بر فروش تسلیحات به ایران و همکاری در راه‌اندازی راکتور هسته‌ای در بوشهر به مسائل حائز اهمیت دیگری نیز می‌اندیشد که می‌تواند آنها را چنین برشرد:

۱- ایران یکی از بزرگترین و مهمترین

چین برنامه‌ای را به جمهوری اسلامی نخواهند داد. از اینرو قبول طرح پیشنهادی روسیه تنها راه گریز و برون رفت آبرومندانه‌ی رژیم از این بحران خودساخته است. رژیم با نزدیک شدن به ۶ مارس روز نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی در صدد است تا با پیچیده‌کردن اوضاع و ایجاد تنش به حفظ موقعیت خود بپردازد، از اینروست که قبول طرح پیشنهادی روسیه را منوط به ۳ شرط نموده است.

۱- علاوه بر روسیه، طرف دیگری نیز در انجام این طرح پیشنهادی روسیه مشارکت کند که این خود دلیلی بر بی‌اعتمادی سران رژیم به روسیه است و از این بیمناکند که در آینده از این طریق بر ایران اعمال فشار نمایند. دلیل بی‌اعتمادی نیز به این امر برمی‌گردد که روسیه در مقاطع حساس به ایران پشت کرده است. نظیر تقسیم میدان نفتی دریای خزر و آنچه اخیراً در IAEA رخ داد.

۲- تعیین زمان مشخص برای این پروژه، زیرا ایران خواهان انتقال همیشگی غنی‌سازی اورانیوم خود به خاک روسیه نیست. چون از یک سو از نظر اقتصادی برای ایران مقرون به صرفه نبوده و از سوی دیگر ایران برای برون رفت از این بحران به وجود آمده است که تن به قبول اینس پیشنهاد می‌دهد.

۳- ایران خواهان مشخص شدن نقاط غنی‌سازی اورانیوم در خاک روسیه است. ایران علاوه بر این سه شرط، خواستار ادامه تحقیقات اتمی خود نیز می‌باشد. ولی رژیمی که بیش از دو دهه در خصوص فعالیتهای هسته‌ای خود به فریت جهانیان پرداخته و در خفا و مخفیانه به گسترش برنامه‌های اتمی خود می‌پردازد تا چه حد می‌تواند قابل اعتماد باشد؟ در حال حاضر تنها خواسته‌ی جامعه جهانی از جمهوری اسلامی، راستگویی و ایجاد روند اعتمادسازی در خصوص پروژه‌های اتمی توسط این کشور می‌باشد.

حال پرسش این است که دو کشور روسیه و چین علیرغم اطلاع کامل از نیات و اهداف اصلی رژیم جمهوری اسلامی در خصوص گسترش و تداوم برنامه‌های اتمی خود به چه دلیل و عللی به حمایت از رژیم پرداخته و بر تداوم گفتگوها و مذاکراتشان با رژیم اصرار می‌ورزند؟

اقتصاد چین که در سالهای اخیر روند روبه‌رشد خود را سرعت بخشیده است، نیاز مبرمی به منابع زیرزمینی بویژه نفت و گاز دارد. کشورهای خلیج فارس علی‌الخصوص ایران نیز منبع اصلی تأمین

پیشنهاد این طرح به ایران عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان داده‌اند. گاهی آن را طرحی مثبت می‌نامند و زمانی نیز ازعان می‌دارند که طراح مذکور پاسخگو و تأمین کننده نیازهای ایران نمی‌باشد. برخی از مقامات تاکید داشته‌اند که غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور حق ایران است و یا اینکه مذاکرات با روسیه ربطی به توقف غنی‌سازی اورانیوم ندارد و... اما جدا از رویکردهای سران رژیم این می‌رود که طرح پیشنهادی روسیه آخرین شانس رژیم برای ممانعت از ارسال پرونده‌اش به شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد. حال رژیم جمهوری اسلامی بر سر یک دوراهی قرار گرفته است. از سویی چنان در خصوص ملی بودن این پرونده تبلیغ کرده است که عقب نشینی این تصمیم و صرف‌نظر از این پروژه برای رژیم چنان سهل و آسان ممکن نیست و از سوی دیگر کشورهای مقتدر جهان بویژه آمریکا اجازه‌ی پیشبرد



وین - IAEA

ادامه‌ی

مصاحبه با آقای رامبد لطفپوری

مبارز و انقلابی می‌دانیم بنابراین هرگز نباید در مبارزه و تلاشمان سستی و تردید نمایم. به باور من ملت کرد بسیار صحیح و آگاهانه این شیوه‌ی نوین از مبارزه را برگزید. در این مرحله بیشترین وظیفه‌ی مبارزه بر دوش مردم خواهد بود و هر یک از احزاب سیاسی نیز به تناسب اعتبار، تلاش و سابقه‌ی خود به هدایت و سازماندهی آن خواهند پرداخت. این مسئله تا حدی حلاله‌ی مبارزه‌ی مسلحانه را پر نموده است.

س: مایلیم در سالروز سوم اسفند که برای ما کردها خاطره‌ی دردناکی است، از رویدادی همانند آن سخن بگوییم و آن رویداد چند روز گذشته‌ی ماکو می‌باشد. طی چند روز گذشته مردم ماکو به منظور اظهار انزجار از سیاستهای فاشیستی اشغالگران کردستان به خیابانها ریخته و به اعتراض پرداختند که متأسفانه توسط نیروهای رژیم ایران مورد تیراندازی واقع شده و سرکوب می‌گردند،

مبارز و انقلابی می‌دانیم بنابراین هرگز نباید در مبارزه و تلاشمان سستی و تردید نمایم. به باور من ملت کرد بسیار صحیح و آگاهانه این شیوه‌ی نوین از مبارزه را برگزید. در این مرحله بیشترین وظیفه‌ی مبارزه بر دوش مردم خواهد بود و هر یک از احزاب سیاسی نیز به تناسب اعتبار، تلاش و سابقه‌ی خود به هدایت و سازماندهی آن خواهند پرداخت. این مسئله تا حدی حلاله‌ی مبارزه‌ی مسلحانه را پر نموده است.

س: مایلیم در سالروز سوم اسفند که برای ما کردها خاطره‌ی دردناکی است، از رویدادی همانند آن سخن بگوییم و آن رویداد چند روز گذشته‌ی ماکو می‌باشد. طی چند روز گذشته مردم ماکو به منظور اظهار انزجار از سیاستهای فاشیستی اشغالگران کردستان به خیابانها ریخته و به اعتراض پرداختند که متأسفانه توسط نیروهای رژیم ایران مورد تیراندازی واقع شده و سرکوب می‌گردند،

س: آقای لطفپوری به خاطر حضورتان در این گفتگو از شما سپاسگزاریم، در خاتمه اگر حرف یا پیشنهاد دیگری دارید بفرمایید؟

ج: من هم به نوبه‌ی خود از شما تشکر می‌کنم و در خاتمه ضمن ابراز همدردی و عرض تسلیت به خانواده‌های کلیه شهدای قیام مردمی ماکو و همچنین شهدای فاجعه‌ی سوم اسفند سال ۱۳۷۷ سنندج و دیگر شهرهای کردستان متذکر می‌شوم که مبارزه‌ی ما نه با ترک نه با فارس نه با عرب نه با شیعه و نه با هر ملت، مذهب و یا دین دیگری نیست. ما با ظلم در ستیزیم، هر کس و یا هر حکومتی که حقوقمان را غصب نماید ما خصم اویم، این پیام جنبش حق طلبانه‌ی ملت ماست و خطاب به ملت خود می‌گوییم بی‌شک این مبارزه و این همه جانفشانی در این راه هرگز بی‌ثمر نخواهد بود، افسی روشن در پیش رو داریم، روز آزادی نزدیک است. ما کردها جهت دستیابی به حقوقمان علیه رژیم شاهنشاهی مبارزه نمودیم، علیه جمهوری اسلامی نیز مبارزه کرده و خواهیم کرد، اما امیدوارم یکبار دیگر مجبور نشویم در آینده نیز علیه حکومتی دیگر در ایران به مبارزه برخیزیم.

ساکنانی ترک زبان هم داشته باشند، اما سرزمین کرد هستند و ترکها در آنها میهمانند و قابل احترام، باید با آنها محترمانه رفتار نمود. همچون اقلیتی ساکن این سرزمینند، در سرزمین کردها بسر می‌برند، بر این مسئله هیچ اشکالی وارد نیست، این حق طبیعی آنهاست. اما توطئه‌ی جمهوری اسلامی که می‌خواهد چنین واغود نماید که کردها ترکها را مورد هجوم قرار داده و با آنها برخورد نموده‌اند و ترکها نیز در پاسخ آنها را مورد تیراندازی قرار داده‌اند و حتی چنین شایع نموده که این تروریسم کردی است که چنین مشکلاتی را می‌آفرینند بسی جای تأمل می‌باشد. رژیم مردم را به یک راهپیمایی جهت محکوم نمودن این قیام فراخوانده است. به عقیده‌ی من این یک توطئه است. یعنی رژیم می‌خواهد در این شهرها میان ملت‌های کرد و ترک جنگ افروزی نماید. از این رو لازم است که هر دو ملت کرد و ترک نسبت به این دسیسه هشیار باشند. آنها می‌توانند کاملاً برادرانه و باهم در این سرزمین زندگی نمایند. کرد هیچ مشکلی با زندگی برادران ترک خود در سرزمینش ندارد، این حق آنهاست که همچون اقلیتی در این سرزمین زندگی نموده و از حقوق خویش بهره‌مند باشند.

ماکو دستگیری آقای اوچالان یا به عبارتی یادآوری آن توطئه‌ی بین‌المللی علیه آقای اوچالان بود. اما باید دید این مردم معترض چه چیزی را مطرح می‌کنند. هرگز نباید منکر شد که آقای اوچالان یک رهبر کرد بوده، انسانی مبارز و دارای حاسن و معایبی نیز بوده است. چنانچه هر انسانی واجد این خاصیت است و دستگیری چنین انسانی دل هر فرد کردی را بدرد خواهد آورد. اما مسئله اینجا چیز دیگری است. آیا مردم معترض ماکو تنها از آقای اوچالان گفتند. قطعاً "نه". آنها بیش از هر چیز به اظهار دردها و نارضایتی خویش از جمهوری اسلامی پرداختند از این روست که به آنها تیراندازی می‌شود، اگر تنها علیه ترکیه شعار می‌دادند بطور یقین هرگز چنین مورد حمله قرار نمی‌گرفتند. آنها خواسته‌های ملی خویش یعنی خواسته‌های ملت کرد را مطرح نمودند بدین خاطر بود که رژیم اینچنین آشفته گردید.

س: اکنون و در چنین وضعیتی که مردم ماکو به‌پا خواسته‌اند، رژیم در پی ایجاد سواستفاده از مسئله می‌باشد. چنانکه می‌دانید ترکیب جمعیتی این شهر از دو ملت کرد و ترک تشکیل می‌گردد.

در راه همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

تلویزیون "تیشک" قبل از خداحافظی

و شروع دور دیگری از انتظاراتها

ع. وریا

سراجم روز ۲۶ بهمن ماه امسال (۱۵ فوریه ۲۰۰۶) کانال ماهواره‌ای "تیشک" (TISHK TV) طی اطلاعیه‌ای به علاقمندان خود مژده داد که بزودی پخش برنامه‌های آزمایشی خود را آغاز خواهد کرد. خبر تأسیس این کانال تلویزیونی ماهواره‌ای و نوید آغاز یک کار در آینده‌ای نزدیک، همانگونه که انتظار می‌رفت، موجی از شادی و سرور را در میان فرزندان خلق کرد و بویژه اعضا، هواداران و دوستان حزب دمکرات کردستان ایران برآورد. در شهرها و روستاهای کردستان ایران مجموعه فعالیت‌هایی در این خصوص از شعارنویسی در مناطق گوناگون و اماکن عمومی گرفته تا مطلع ساختن دستاران و علاقمندان به حزب از این خبر و محتضات و زمان پخش برنامه‌های این تلویزیون آغاز گشت. صدها پیام تبریک و تهنیت نیز بوسیله تلفن، ایمیل، فاکس و نامه به رهبری، نمایندگان و ارگانهای حزب ارسال شده است.

تأسیس یک کانال تلویزیونی ماهواره‌ای وابسته به حزب دمکرات و جنبش خلق کرد در شرق کردستان یکی از آرزوهایی بود که از حدود ۱۰ سال پیش در قلب و اندیشه اعضای حزب دمکرات، مردم کردستان ایران و دوستان و دلسوزان جنبش ملی خلق کرد در ایران جوانه زده بود.

می‌توانم بگویم از نوروز ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) که چند تن از کادرهای کمیسیون انتشارات و رادیو صدای کردستان ایران مجموعه برنامه‌هایی را تولید و بوسیله دستگاه فرستنده‌ای که پیشمرگان نیروی گیارنگ از پایگاه نظامی "بیژوی" به غنیمت گرفته بودند (زمستان ۱۳۷۱) پخش می‌کردند، این امید و آرزو سر برآورده بود. این گروه از کادرها که در این راستا پیشقدم بودند و من و چند تن دیگر از رفقا را بمنظور تهیه و اجرای چند برنامه با خود همراه ساخته بودند، همچون سرآغازی جهت طی کردن راه دور و دراز دستیابی به چنین رسانه مهمی به تلاشهایمان می‌نگریستیم. این تلاشها خیرمایه‌ی تولد "تلویزیون نوروز" بود که از آن زمان تا کنون در ایام نوروز و برخی مناسبت‌های دیگر برنامه‌های تلویزیونی گوناگونی را در محدوده‌ای کوچک پخش نموده است.

همگام با ریشه‌دوانیدن هرچه بیشتر این آرزو و قوت گرفتن روزافزون لزوم چنان رسانه‌ی عمومی‌ای که بتواند بدون اجازه دشمنان حقوق و آزادیهای خلق کرد در خارج از کردستان به هر خانه‌ای سر برزند، مساعی مختلفی از سوی رهبری حزب دمکرات و اعضا و دلسوزان این حزب بویژه از سال ۲۰۰۰ به منظور تحقق این آرزو، ادامه داشت. این تلاشهای برخی اوقات به مرز تمرغشی و حصول نتیجه نهایی نزدیک می‌شد. اما هربار مجموعه عواملی تحقق این آرزوی شیرین را به تعویق انداختند. مهم این است که حزب به تلاشهای خود ادامه داد و ادامه‌کاری و پیگیری نیز یکی از رمزهای موفقیت در هر تلاش مقدسی است.

تأسیس تلویزیون ماهواره‌ای "تیشک" به دوری از انتظارات پایان داد. اما در عین حال دور جدیدی از توقعات را نیز با خود به‌همراه آورده است. اگر در گذشته سؤال مردم این بود که "چه هنگام حزب دمکرات و ما کردهای شرق کردستان از یک تلویزیون ماهواره‌ای برخوردار خواهیم بود؟" از این پس منتظر خواهند بود تا ببینند این رسانه در مقام نمایندگی مبارزه و فعالیت آنان، در انتقال و پخش اخبار مربوط به زندگی آنها، در تعمیق و پیشبرد مبارزات همه‌جانبه‌ی آنها به منظور رهایی از زیردستی و رسیدن به دمکراسی و حقوق ملیشان چگونه عمل خواهد کرد و تا چه‌حد موفق خواهد بود.

مایه‌ی خوشحالی است که شرق کردستان، همزمان با تلویزیون تیشک از دو تلویزیون ماهواره‌ای دیگر (ژژده‌لات و کومه‌له TV) برخوردار خواهد بود. با این سه کانال شمار تلویزیونهای ماهواره‌ای کرد زبان به حدود ۱۰ کانال خواهد رسید. هرچند تجربه‌ی اداره‌ی تلویزیون ماهواره‌ای برای کردها، تجربه‌ی دور و درازی نیست، با این حال کردهای شمال و جنوب در مقایسه با کردهای شرق کردستان از پیشینه‌ی طولانی‌تری در این خصوص برخوردارند. به همین دلیل قدمت این تلویزیونها بیشتر است و نقاط ضعف و قوت آنها برای تلویزیون تیشک و دیگر تلویزیونهای ماهواره‌ای شرق کردستان می‌تواند ارزشمند و قابل توجه باشند.

در این فرصت تنها می‌توانم بگویم از لحاظ مثنی و ماهیت، تلویزیونی موفق بوده و یا موفق خواهد بود که علاوه بر تأمین بسیاری از امکانات تکنیکی و هنری لازم، به آزادی بیان بیشترین بها را بدهد. جلوه‌ای از تنوعات درونی ملت کرد و جامعه‌ی کردستان باشد. گوناگونی در گفتارها و چهره‌ها و چند صدایی را احترام نهد و زمینه‌ی انعکاس و بازتاب آنها در خود را فراهم آورد. به جای محصور ماندن در بخشی از کردستان و وابسته بودن به حزب یا فردی، همه‌ی کردستان و تمامی احزاب و افراد را مدنظر داشته باشد. هرچه را که دیگر کانالهای تلویزیونی بدلیل برخی مصالح حزبی و کوچک از آن پرهیز کرده‌اند، تکرار نکنند. در مقابل، کارهای خوب و شایسته‌ای که این کانالها انجام داده‌اند و ما بعنوان بیننده‌ی فردی، عضوی از حزب و یک انسان سیاسی نسبت به آنها راضی و خرسند بودیم را از آنان فراگیرد. بگذار یک کانال تلویزیونی در عین حال که زبان حال حزب خود و بخشی از کردستان خواهد بود، یک رسانه‌ی ملی و کردستانی نیز باشد. بعلاوه بیاد داشته باشد که در عصر حاضر بیننده یا مخاطب - هر کسی که باشد - در رابطه با رسانه‌ی مزبور از مجموعه حقوق ویژه‌ی برخوردار است که یکی از آنها راستگویی می‌باشد.

به همین دلیل از صمیم قلب گردآمدن این ویژگیها در تلویزیون تیشک و دیگر کانالهای ماهواره‌ای شرق کردستان را آرزومندم و به مناسبت آغاز یکار آنها، به کلیه گردانندگان، بینندگان و علاقمندان آنها تبریک و تهنیت می‌گویم.

ترجمه از کردی: سیامک قوی‌پنجه

"که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکها"

نیز رویداد بسیار تلخ و دردآوری است. بویژه اگر این شخص یادگار یکی از شهدای راه آزادی ملت کرد و خود نیز یکی از مبارزان رهرو راه پدرش و کادر دلسوز و زحمتکش و کارآمد باشد و ۱۰ سال از ۲۵ سال عمر خود را در سنگرهای حزب پرافتخار دمکرات کردستان ایران سپری کرده باشد.

سمکو آگوشی فرزند شهید ابراهیم آگوشی اهل روستای "کانی کله" پیرانشهر که شامگاه یازدهم اسفند ماه امسال برای همیشه ما را وداع گفت. نوجوانی بیش نبود که به صفوف پیشمرگان پیوست و در نیروی فتدیل خدمت به خلق و حزب دمکرات را آغاز کرد. سمکو بدلیل خصلتهای والا و انقلابی و در نتیجه خودساختگی، در سال ۱۳۸۲ به کسوت کادر سیاسی درآمد و حتی در دوره‌ی آموزشی مربوطه رتبه نخست را بدست آورد. وی توانست مسئولیتهای گوناگونی را در بخشهای آموزشی، امنیتی، مخابرات و امور اجتماعی کمیته مرکز

ترجمه از کردی: سیامک



شنگ، که‌نگرو مجموعه‌ای از گل‌های تزئینی و گیاهان دارونی است. همچنین انواعی از: مار، خوک، گرگ، شغال، عقاب، خرگوش، روباه، لاک پوشت، جوجه تیغی، خرس قهوه‌ای، کبک، گوزن (که‌ل)، خرگوش و... اقسامی از تنوع زیستی منطقه است. زمان لازم برای رفت و برگشت به بام پیر محمود، ۳ (سه) ساعت است.

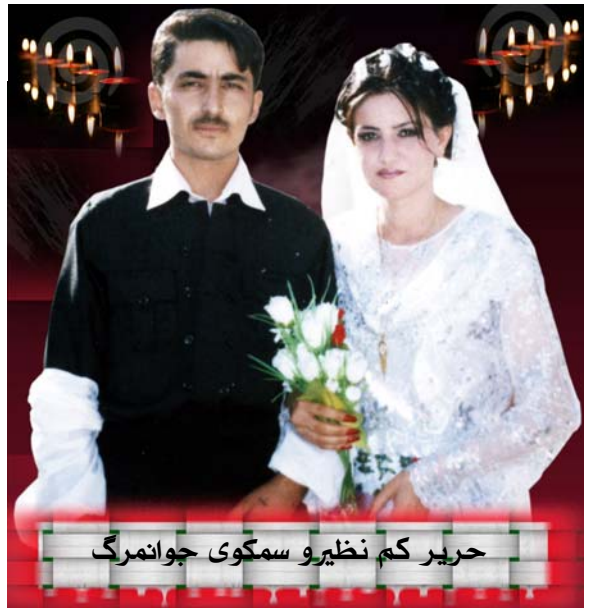
منبع: کتاب "جلو‌های طبیعی کردستان، دفتر اول، کوهها" تهیه و تنظیم: اکبر ولدبیک



سیاسی قرار دادند. در عین حال، زنان در شهر "جده" عربستان، فرصت بی‌سابقه‌ای بدست آوردند و با رقابت در انتخابات، دو کرسی را در هیأت مدیره اتاق بازرگانی محلی این شهر از آن خود کردند. همچنین زمینه انتخاب اولین رئیس جمهوری زن در شیلی فراهم شد و ژاپن نیز در ماه ژانویه، لایحه‌ای را بازننگری کرد که به موجب آن زنان خاندان امپراتوری می‌توانند وارث تاج و تخت شوند.

"کاریتا رامداس" رئیس صندوق جهانی زنان که در "سانفرانسیسکو" مستقر است و به گروههای مدافع حقوق زنان در سراسر جهان کمک می‌کند، گفت: سال ۲۰۰۵ سالی سرشار از موفقیت برای زنان بوده است. وی افزود ۱۰ سال پیش، ما می‌گفتیم که خواهان وضع قوانینی برای حمایت از زنان هستیم اما اکنون می‌گوییم زنانی را که می‌خواهیم که خود قانونگذار باشند. از سوئی، اتحادیه بین‌المللی در "ژنو" اعلام کرد: تعداد نمایندگان زن در پارلمان کشورهای سراسر جهان در سال ۲۰۰۵ به ۶۹۶۰ نفر یا ۱۶/۱ درصد رسیده است.

جلوی ماشین به آن سوی جاده پرت شده بود. آن را برداشت و بدون معطلی سوار ماشین شد و به سوی مقصد راند. - بابا! بریش بیمارستان، داره میمیره! درمانده بود چه جوابی به دخترکش بدهد. از دیروز عصر که رم کردن و بی‌اعتمادی آن حیوان از آدمی را دیده بود، یاد این شعر سهراب سپهری افتاده بود که می‌گوید "من الاغی دیدم یونجه را می‌فهمید" گفت کاش به‌جای یونجه آدم را گفته بود. - بابا! داره میمیره. من می‌گم بریش بیمارستان. شما داری از یونجه حرف می‌زنی!؟



مرگ در عنفوان جوانی، آنهم در پی چهار سال دست و پنجه نرم کردن با دردها و آلام بیماری مهلک سرطان و پس از ضعف تدریجی بدلیل تحمل شبانه‌روزی درد و رنجی طاقت فرسا، نه تنها برای یک بیمار محکوم به جوارگ شدن، بلکه برای نزدیکان، عزیزان و یارانش

کوههای کردستان

پیر محمود (پیر مه محمود) Pir Mahmoud

پیر محمود، ارتفاعی ۲۰۰۰ متری در جنوب شرقی شهرستان بیجار و در ۴۶ کیلومتری شهر دیواندره است. وجه تسمیه آن بدلیل وجود زیارتگاهی با همین نام در قله آن است. بدلیل قرار گرفتن در بخش شرقی استان و نزدیکی به فلات مرتفع و خرم ساراز، از بارش سالیانه، مراتع و پوشش گیاهی و جانوری غنی و قابل ملاحظه‌ای، برخوردار است. از چشمه‌های زیبا، جاری نامدار پیر محمود، می‌توان "شاه چشمه (شاکانی) و چشمه پلو (کانی پلور) را نام برد که در سرسبزی دامنه‌ها، تأثیر ویژه‌ای دارند. ارتفاعات نامی وسیعی بر حاشیه پیر محمود، قدعلم کرده‌اند از جمله: کوه "گل آوران" با داشت غاری بزرگ و دیدنی.

موفقیت‌های سیاسی زنان جهان در سال ۲۰۰۵

آسوشیتدپرس در گزارشی اعلام کرد: جهان در سال ۲۰۰۵ میلادی شاهد موفقیت‌های مهم سیاسی برای زنان بوده است که این موفقیتها شامل انتخاب اولین رئیس جمهوری زن در آفریقا و برگزاری اولین انتخابات در عربستان سعودی با حضور رأی‌دهندگان زن می‌شود.

داستان این شماره



آدم فهم

ب. هیوا

همانند اغلب عصرها قدم در راهی گذاشت که از میان مزارع غرب آبادی می‌گذشت. کله طاس خود را با کلاه نخی و گردنش را با یقه پالتویش پوشانده بود تا از گرند سرما در امان باشد. گاهگاه به کتابی که در دست داشت نگاهی می‌انداخت و بدنبال آن سرش را بلند می‌کرد و ضمن تماشای پستی‌ها و بلندبندیها و آبراه‌های سر راه خود، درسی را که مرور کرده بود، از حفظ می‌گفت.

به پانزده، بیست متری او که رسید، مسیرش را عوض کرد. در حالی که بدقت عابر را زیر نظر داشت از میان مزرعه‌ای که جوانه‌های کندم تازه سر از آن درآورده بودند،